مردم آدینه

ارگان مرکزی حزب توده ایران

مردم آدینه

نشریه ایست اجتماعی - سیاسی - هنری

صاحب امتیاز و مدیر مسئول دکتر رضا رادمنش

آدینه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۲۷

۶ ماه شال ۱۹۴۸

بهای تک فروشی چهار ریال

تلفن ۱۸۰۳

کمیته مرکزی حزب توده ایران از شما میخواهد که با تمام قوا و با شجاعت کامل در ضد دیکتاتورمنشی، دیکتاتور آزادی، در ضد بسط قدرتهای جنایتکارانه پلیسی، در ضد اختناق افکار و سلب امنیت عمومی مبارزه کنید.

که همراه تامین حاکمیت ملی ایران، استقلال و تمامیت مهین ما، و علاوه بر مبارزه علیه دیکتاتوری که وطن ما همه را بسلطه امپراطوری قدرتهای بیگانه قرار گیرد و بهانه جنگ، بازگاه جنگ، مرکز دسایس خود ساخته شود.

حزب توده ایران در آزادیخواهان پیشرو کشور ما را بعزیمت آزادی خواند و از آنها راهی بسوی جبهه ای حزب میشناسد.

از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

انحراف بیشتر در سیاست خارجی ایران

بنفع امپریالیسم «وال ستریت»

هفته گذشته در کشور ما بار اعلامیه و تبلیغات تازه‌ای در جهت اجرای سیاست امپریالیستی آمریکا در ایران انجام گرفت. در رادیوهای خارجی و مطبوعات اعلامیه کمیته غیر اختصاصه از طرف وزارت امور خارجه آمریکا این دولت مشغول بررسی تقاضای جدید ایران برای ده میلیون دلار وام تازه است.

درباره این خبر مخالفین سیاست ایران توضیح دادند که کنگره آمریکا تقاضای دولت ایران را برای پرداخت بهای حمل و نقل، بیمه و سایر مخارج سلاح های آمریکائی باطرف قبول تلقی کرده است.

در همین هفته دولت آقای حکیمی لایحه هفت ماده‌ای که قطع اجازه سیاسی و نظامی ایران در آمریکا را باعنوان هوا پیمایه اعلامات داخلی مهندسی با پیش بینی اعتبار بیست و چهار میلیون دلار و ارزش بانک آمریکائی بانک (بین المللی) به مجلس تسلیم نمود. نمایندگان لایحه دولت حکیمی را در مدت چند ساعت بحث نمود و بیکنه و داوطلبی کابینه دولت حاضر را برای خدمت به مصالح خاصه امپریالیسم آمریکا نشان میدهد.

چنین بنظر میرسد که تاکنون بسیاری لایحه و شروع به اجرای آیین نامه آمریکی حق مورد مخالفت‌های وقتی به فراکسیون دمو کرات ایران را کسیون آقای قوام السلطنه و هفت هفت ساله را از اموال خاصه دولت تلقی میکنند واضح نمود و بوی جلال داده شود تا صبحت خود را در داوطلبی برای اجرای نظریات امپریالیسم آمریکا دایان برساند.

هر قدر دسته های مختلف سیاسی برای هفت هفت ساله و اعلامات ادعائی آن موضوعیه بدهند برای هیچکس این حقیقت مخفی نیست که این هفته بسیاری اینکه متصل بدست ایران باشد بسرای اجرای منظور سیاست‌های خارجی تهیه و تسلیم شده است.

تبلیغات امریکائی در هفته گذشته در باره ایران سخت فعال بود. مقالات متعددی درباره ایران و لزوم بکمک به تمدن کار آن در جراید و مجلات امریکا انتشار یافت.

چنانکه روزنامه‌های تهران نوشته‌اند آقای ایلوت تمپر نظامی و سیاسی امریکا در مدارس آمریکا در تهران ضمن مصاحبه‌ای با نمایندگان جراید تاکید کرده است که از طرف ایران باید بشکل یک از طرف مردم ایران و مجلس و برای انجام وزارت جنگ ایران و مناد ارتش باستی مشکلات و همکاری های زیادی تحمل کند. این مصاحبه اظهار داشته است که وی سپس از مستشاران امریکائی و اعضای باد گان تهران را بازدید نموده.

این اظهارات سیاست آمریکا از طرف مخالفین منتقد ایرانی بر طرفداری و قبول وحشی دادوطلبی آنکار برای تقسیمات گذاری تلقی گردید. جمله تهران مخصوص که وابستگی ویژه مخالفین دولتی آنکار است باره دیگر بلوغ و تبعات از سیاست جنگ طلبانه امپریالیسم صحت کرده و اظهار داشت که ما باید از هر گاه جنگی آینده خود هزار تلیون دلار صدمه بگیریم و صرف تصمیمات کنیم تا در موارد لازم برای جنگی که هدف عمومی دارد مهیا باشیم و اگر هم کشته شدیم چون با زمین در کار جنگی و نگین از نیست.

تبلیغات رادیو و اخبار پیرامون ... و ویژه‌ها ... بر بحث دامنه داری ... باشد. خود ویژه طبقه ما که بسرای قرب دادن خود و آشنا ساختن قلمان برای قبول سیاست خود آورد خود، چنین ادعا کرده که گویا مارشال برای چه ... قرارداد ۱۹۰۲ بیشتر ... شمالی در ایران صورت گرفته و برای رفع این ... پیرامون خود سیاست سوء ... بنظر میرسد.

همه بدانند باید نظر گرفتن وضع کنونی سیاست جهان و روی دولت‌های سوسیالیستی شمالی ایران که باید گوه ... نظر طرح کنسیون ... جانبه قدیما مخالفت نمود چنین ادعائی در عمومی تجدید قرار داد ۱۹۰۲ جزء ... ترین و خطرناک‌ترین طرح‌های سیاست و ایروی سوء و تسلیم کور کورانه به امپریالیسم آمریکا در آید، جزء ...

روزنامه جریانات هفته گذشته بار دیگر اضطراب و نگرانی ملت ایران را نسبت به سیاست غلط و نگرانه هیئت حاکمه تشدید میکند. این روش خود نتیجه‌ای جز این ندارد که ایران را بیش از پیش در راه منافع خدایان دلار قربانی می‌کند.

بررسی جراید

توزیع مدال «پر روئی» ببعضی از «میهن پرستان»!

به کسی که در مدت زمان کوتاهتری عقب گردهای سیاسی سریعتری بکند، بعنوان قهرمان رو، مدال داده خواهد شد. از کلیه «میهن پرستان» دعوت میشود که در این مسابقه «شرافتمندانه» هر چه زودتر شرکت جویند

برسم طی الحساب در وجه ایشان کارسازی شد

در صفحه ۸

مسائل خارجی

در اطراف مذاکرات پارلمان انگلستان

فعالیت برای ایجاد فدراسیون اروپای باختری و هدف‌های اساسی آن

از دو روز با بطرف مذاکره در اطراف مسائل بین المللی در پارلمانت انگلیس ادامه داشت.

بطوریکه از مذاکرات مجلس و نطق های اتلی، بوین و ایدن (بنام لیدر مخالفت) آشکار است، هدف اساسی از تشکیل این جلسه توجه سیاست مامراجع به دولت «کارگری» است سیاستی که بقول زیلیا کوس سرا جایان «دکور» منتشر خواهد شد.

در جریان مذاکرات دو روزه بیشتر نطقها بر سر دو محور مخالفت و اصرار در دشمنی با شوروی دور میزد. آقای بوین که سال پیش (هنگامیکه حزب توری در اقلیت بود) گناه اشتباهکاریهای پیش از جنگ و مخصوصا در موقع را بگردن همکاران محافظه کار میشود میانه اخت وطنت به جنگ دنیا را عدم همکاری با دولت شوروی میدانست، اکنون در راه سیاست موذیانه چنان سرعت و استحکام قدم برمیدارد که مورد تحسین و اعجاب چرچیل و آیدن قرار گرفته است.

سیاست پیش از جنگ «فرین آفیس» برای مبارزه با «خطر بلشویسم» بر پایه تشویق و تشجیع فاشیسم آلمان قرار گرفته بود.

لرد های «کارگری» که سیاست پیش از جنگ را بطور مواضع پیاده کی مورد تصحیح و توبیخ قرار داده بودند اکنون باز با توسل بهمان دستاویز «خطر بلشویسم» برای امپریالیسم لگام گسیخته امریکا، نقش جاده صاف کن را بازی میکنند.

دستاویز چرچیل و چیرلن و مالیانکی در سالهای بعد از جنگ آن بود که «بلشویسم» بزرگترین خطر را برای «دمکراسی» و «تمدن باختری» تشکیل میدهد و هم اکنون «سوسیالیست های جزیره نشین» از همین دستاویزها برای همان مقاصد استفاده می‌کنند. محور سیاست خارجی انگلستان را در بین دو جنگ تشکیل اتحادیه‌های ضد شوروی و دیپلماسی انگلستان مجددا در همان مسیر سیر میکند.

ادعای بوین و اتلی آنست که دولت شوروی هرگز حاضر نیست بر پایه حقوق متساوی درباره مسائل بین المللی بحث کرده پیرداز. و گویا «زمامداران آرمانی» درصدد تحمیل نظریات غیر مشروع و ناحق هستند.

ولی حقیقت امر اینست که پس از یک تجربه تلخ بر خلاف اساسنامه سازمان اسپیکو و مقررات تهران، پالتاو پتسدام نمیخواهد دولت شوروی (حتی یکی از چهار کشور معظم جهان) را در حل مسائل بین المللی با حقوق متساوی شرکت بدهد.

بقیه در صفحه ۷

نمایش «خسروانه» اول ماه مه

«سندیکای» «ضد کمونیست» «میهنی» داده است!!! از «باهاماپوس»

در مجلس چه خبر بود؟
در صفحه ۸ مطالعه فرمائید

مسائل حزبی

بدگوئی، وافتراء

مادر کشوری زندگی میکنیم که مناسبات ضد در آن‌ها بطوری رایج و عمومی شده که در سنگری و معمت عمل را کسی بلوغ میکند.

در جامعه ما اصل اینست که منافع شخصی و هوس‌های خصوصی را با مصلحت زندگی دانست. سود خود را باید در زیان دیگران صاحب کرد. کلیم خود را باید از آب بیرون کشید و کلیم دیگران را باید داد.

بارها از اشخاصی که بشل جامعه‌ای مصون شده‌اند می‌شنوید که میگویند «شلش کوچک است، ولی در آب‌ش خوب است».

این در آب که این طور بی‌پروا و بدون حمایت و مانع چیزی بی‌ملاحظه اظهار میشود همان است که در مدرسه‌ها در کتاب‌های اخلاق، درس و اخلاق میخوانید. اگر کسی پیدا شود که واقعا از این در آب صرف نظر نماید دیگران هم او را یاور خواهند کرد و اگر یاور کند نسبت پیرمرگی باو خواهند داد.

بقیه در صفحه ۷

منظره‌ای از میتینگ پرجوش عید اول ماه به شورای متحده مرکزی که چهارمین دلیل کثرت شوروی این اتحادیه واقعی کارگری است

عقب کنندگان را تعقیب کنید!

از جمله کارمندان وزارت معروف انگلیس در ای کارپاکتور نقل میدهند که چکمه پنج لنگی پلیس عهد انگلیس بیک کارمند ساده وزارت تعقیب قرار داده‌اند. او در روز ای کارپاکتور توقف است: «تعقیب عقب کنندگان را تعقیب کنید!»

نظریات مارشال تیتو

درباره جنگ ومبارزه با آتش افروزان جنگ

درسپتامبر ۱۹۴۷ پس از خاتمه جنگ جهانی دوم و کنگره بین‌المللی جوانان که در پراگ جریان داشت گروهی از نمایندگان جوانان ترقیخواه چین آزاد، کشورهای مارکزی، افریقای جنوبی و بلاد جدید از کشور یوگسلاوی نیز دیدار بعمل آوردند. جوانان مزبور پس از دیدار با مقامات مسئول کشور و پذیرائی گرمی که از طرف سازمان جوانان یوگسلاوی از ایشان بعمل آمد بملاقات مارشال تیتو نیز نائل گشتند.

همه آنها در کشورهای دور افتاده بودند حرف‌های زیادی درباره موسس موجه یوگسلاوی جدید شنیده بودند. بسیار علاقه داشتند که باین مرد بزرگ نسلهای از راه‌های نیز آشنا شوند و با وی مصاحبه نمایند.

این جوانان با وجودیکه از لحاظ سن باهم اختلاف داشتند و هر کدام از یک گوشهٔ دنیا آمده بودند ولی از آنجا که موقعیت اجتماعی و طرز زندگانی آنان یکسان بود همه آنها دارای افکار واحد، تمایلات واحد و خواستها، واحدی داشتند.

تمایل مشترکی که از مارشال تیتو معرف ملاقات‌ها شد به همه جوانان با حفظ صلح واحترام از همه یک روحیه جدیدی بود که نشان میداد که اکثر فعالیت سیاسی در مشغول ساختن تازه دارند.

مشاور «دوفریق مارشال» آنچه را که جوانان باید درورد استحکام صلح جهان انجام دهند برای ما شرح دهید.»

جواب: «وظیفه جوانان در این مورد بسیار مشکل است البته بعضی نیست که باید فرود آن کوشید هنگامی بخواهد من مبارزه با آتش افروزان جنگ یا عبارت دیگر مبارزه در راه صلح یک وظیفه اساسی است که باید با انجام سریع آن بطور کلی درهمه جا و بطور جداگانه درهر کشور ساختمان بعمل آید برای این هدف لازم است همکاری بین‌المللی جوانان ترقی صمیمیت و دامنهٔ بیشتری پیدا کند.»

باید سعی کنید هر چه ممکن است توده های بیشتری از نسل جوان در سازمان شما که شرکت فعال بسیار مفیدی فرداء استحکام صلح است متشکل شوند برای دوضع کوی فعالیت تمام نیروهای فرهنگی جوانان در درجه اول نسل جوان واجد اهمیت عظیمی است.

اغلب شما نماینده کشورهائی هستید که هم اکنون روزهای دشواری را می گذرانند و جوانان آنها و تمام متفکران وضاع عملی را درد و رنج دارند.

بعقیده من شما و مخصوصاً شما جوانی آگاهید که همکاری بین‌المللی جوانان چنان بطور نوین درآمده و همچنین برای صاحب از ایجاد یک جبهه که آتش افروزان آن سعی دارند بنوع جدید سعی در اختلال آن دارند تا چه حد واجد اهمیت است.

برای نیل باین هدف لازم است که همکاری سازمانهای جوانان منحصر بحدود اعلامیه‌ها باشد.

این سازمانها باید در عین حال سازمان های مبارزی باشند زیرا بنا هر گونه نشانی که بمعنی گذشتن آنها در دسته بندی های جنگ‌طلبانه اعلان میشود نه بوجود مخالفت کنند. بنا براین لازم و ضروری است جوانان و سازمانهای آنان برعلیه کسانی که میخواهند دنیا را بسوی یک فاجعه جدید بسوق دهند مبارزه با هر مدلی را در پیش گیرند.

اینست تعیین وظیفه جوانان در تمام کشورهای جهان.

ما انکار نمیکنیم که تمام نیروهای مترقی جهان خواهان صلح اند ولی اگر تصور کنیم که حفظ صلح بدون آمادگی جهت مقاومت در برابر تهاجم و جنایت دیگر با دست روی دست گذاشتن و منتظر موافقت نشستن امکان پذیر است اشتباه بزرگی مرتکب شده ایم گذشته نزدیک ثابت کرده که دوا بکار نمای مطلبی نهفته بوده است. امروز ما وظیفه داریم صلح را بهر قیمتی است حفظ کنیم. در شرایط کنونی حفظ صلح یعنی حفظ آزادی و استقلال و برای دفاع از آنها اگر لازم باشد از بکار بردن سلاح نیز نباید خودداری کرد. ما در این صلح طلبی امروز فقط وسیله‌ای و نه هدف نیست بلکه هدف یک مبارزه مقدس یک مرحله است مهمتر و مرحله مقدمه عبارت است از:

اولا: جمع نیروهای ترقیخواه دنیا که اکثریت عظیمی تشکیل میدهند.

ثانیاً: آگاهی این نیروها از اینکه با یک مقاومت محکم نمیتوانند مانع از وقوع جنگ جدید جهانی گردی نمایند.

حتی اگر کی جنگ میکند: افراد محدود و معدودی جنگ میکنند.

بلکه توده‌ها هستند که بر علیه یکدیگر وارد نبرد میشوند.

هنگامیکه توده‌های جنگ باشند افراد معدودیکه جوانان هستند نمی توانند آنرا بوجود آورند.»

نماینده گان جوانان دمکراتیک مارشال تیتو یادداشت گوش میدادند و برای آنکه بتوانند آنچه را در کنار صحبت برای یادداشت مینمودند.

جوانان پس از استماع توضیحات تیتو درباره این مسئله مهم بین‌المللی تقاضا کردند که مارشال نظریات خود را درباره مبارزه علیه متجاوزان و عامل آنان در حفظ صلح نیز بیان نماید.

جواب: «ما موافقت چین و کشورهای مستعمراتی را با دخالت خاصی تعیین میکنیم و سبب تودههائی که در راه استقلال آزادی و حقوق دموکراتیک خود مبارزه میکنند علاقه‌مند.

اکنون که این سئوال در برابر من گذاشته شده است میتوانم شما بگویم که نشانه‌ایکه بمعنی گذشتن بعضی از ملل بسیار مستعمراتی در زیر بوغ چنان استعمار و غوث و توسعه خود استعماری امپریالیستها در بازارهای از کشورها میشود یک عنصر اساسی برای صلح ایجاد کرده است.

مطمئن از اینجا نیست که توده های مستعمراتی در راه استقلال خود مبارزه میکنند زیرا این حق مسلم و غیر قابل انکار آنهاست.

توده‌های مستعمراتی در هنگامیکه موجودیت آنها مورد تعدیات و تهدید قرار گرفته است دست باسلحه برده‌اند. عنصر واقعی برای صلح از آنجاست که بعضی از دول امپریالیستی مانند هند در خیال فرمانروائی بر جهان و امارت اقتصادی آنرا دوست می‌پرورانند.

عنصر واقعی در تلاش دول امپریالیست به پرده کردن توده‌ها و توجه بعقیده به کاروبای محدود اعلامات صلح است.

وضع امروزی تنها وضع جنگی و جبرانی نیست. وضع شما علاقه به وضعیت دارد.

مانند آنچه برای کشور ما روی دیگر چه پیش خواهد آمد ولی محقق است که دشمنان ما در باختلاف خویش در کشور ما خواهند بود.

علت این تشتت چیست و از کجا ناشی میشود؟

علت آنست که بعضی دسته بندیهای امپریالیستی که در جریان جنگ سرد آزادیخش گذشته توانسته بودند نهادهای امپریالیستی خویش را از دوره «کنون که دنیا پیش از هر موقع دیگر احتیاج به صلح دارد» سعی میکنند نقشه‌های خودرا از هر فرصت دیگری عملی سازند.

اینست نظری که صلح را تهدید میکند و اینها هستند کسانیکه نسبت به صلح سوء قصد دارند.»

پاسخ دقیق و صریح مارشال تیتو موجب رضایتمندی و دلخوشی گردید. نمایندگی از آنان خواست که مارشال درچنین وسیع کنی جنگ را یادداشت بیشتری مورد اظهار قرار دهند.

سئوال: «وقتی مارشال بعقیده شما در چنین درنگی و انگلیسی از کوشش که در راه ایجاد کشورهای دمو کراتیک طرح بیندیشند چه انجام دهید؟»

جواب: «من نمیتوانم در جواب یکسان اعلامات کنم. باید بگویم که امپریالیستها، تراست ها و بانکداران امریکائی بهادری عظیم را تشکیل میدهند البته عضو ترین کسانی که در چنین انگلیسی ارتباطی دارند هستند. بلکه اینها خطر ضعیف ترین بهترین هستند در چنین امریکائی از همه برای صلح خطرناک تر میباشند.

با وجود این تصور میکنم توطئهای تعیین آنها بود. بعقیده من جنگ توسیع وداشته داری وقوع خواهد یافت زیرا توده ها خواهان صلح هستند. کشمکشهای درک بین المللی بدون آمادگی کم و بیش توده های جنگ نمیتواند بوجود آید. سوءتفاهمگی که امپریالیستها مایل به برپا کردن آنند از طرفی یک جنگ امپریالیستی و از طرف دیگر یک جنگ آزادی بعمل خواهد بود. جنگ آینده مانند جنگ آزادی بعمل خواهد آمد زیرا که ما هنوز اینجا بر علیه خطر فاشیسم در آن شرکت داشته خواهیم بود. ایجاد توده های متشکل امپریالیستی متجاوز هیچگونه علاقه و تمایلی برای شرکت در جنگ آینده ندارند زیرا کسی آنانرا تهدید نمیکند. جنگ برای این توده ها جز فرصت گی و فشار حاصل فرما چیزی بار خواهد آورد.

با نتیجه توده‌های مسالمت امپریالیستی مانند توده اخیر که موجودیتشان منحصر افتاده بود در فرصت گی شرکت خواهد جست آنها در نظر خواهند گرفت که جنگ برای

تبریک به کومین کنگره

کمیته مرکزی سازمان جوانان توده شهرستان کرج تشکیل دومین کنگره حزب توده ایران را که مضا دو موفقیت‌های آینده جبهه ملی ایران تاثیر بسزائی دارد بسوم آزادیخواهان و رفقای مبارز حزبی تبریک میگوید.

انجام مقاصد پانزده دسته محدودی ایجاد شده وخود را در اختیار این دسته بندی خواهند گذاشت.

هیچ جنگی بدون اراده توده ها به پیروزی نیانجامیده و سبب اینی هم در این مورد کاری از پیش نخواهند برد.»

بنظر من علامه تهاجم امپریالیستها علیه آزادی واستقلال توده‌هاست توده های کشور های متجاوز به نهاد اوطلبانه در آن تهاجم شرکت نخواهند جست بنگاه کاملا برخلاف میل خود بسوی جنگ کشانده میشوند و چنین علت جنگ آینده پایان دهند و متشکل می خواهند داشت طرف دیگر قضیه، جنگ آزادی بعنی و مبارزه مرگ و زندگی توده‌هائیست که نخواهند استقلال و آزادی خود را از دست بدهند.

امپریالیستها این نکته را بخوبی میدانند و برای همین است که با تمام وسائل ممکن باپنهان کردن خود و زیر نقاب دموکراسی و یادشتاندادن بکشورهای دموکراسی جدید سعی در فریب توده‌های کشور خویش دارند.

آنها بدین طریق میخواهند مردم کشور خویش را تحریک و تهیج کنند و بین آنان وجه جنگ طلبی بوجود آورند باین ترتیب ضرورت مبارزه در راه صلح جهانی احساس میشود.

برطبق این نقشه باید غلاف از چهره کثیف دارودسته امپریالیستها برداشت و به توده‌های ممالک امپریالیستی فهماند که ماجرای جنگ جدیدی که اربابان امپریالیست درصدد تهیه آنند نه تنها برای آنان نمی خواهد داشت بلکه برای آنها واکثر ماهیان تولید خطر خواهد کرد.»

یکی از نمایندگان جوانان از مارشال تیتو پرسید که «بعقیده شما معامل امپریالیستی که اساس فشار اقتصادی و سایر وسایل سعی در تضعیف و یا بردی کشورهای دموکراسی جدید دارند آیا در نقشه‌های شوم موفق خواهند شد؟»

مارشال جلوی صریح و قطعی پاسخ داد.

«مطمئنم اوضاعی که که تهیه ساختمان و احیاء این کشورها را کسی دچار اشکال می کند ولی دراجام نقشه خویش موفق نخواهند شد.»

مارشال تیتو درپایان مصاحبه، وسیله نماینده گان چین آزادیخواه و سازمان افریقای جنوبی، مارکزی و زلاند جدید جوانان و توده‌های آن کشورها درود فرستاد و چنین گفت:

«شما در اینجا امکان دارید مسامی عظیم توده‌های یوگسلاوی را در راه ایجاد یک آینده بهتر از نزدیک مشاهده کنید. آنچه را در اینجا دیده‌اید برای ملل خویش باز بگوئید. آنها بگوئید که یوگسلاوی با وجودیکه در زمره کشورهای محدودیست که بعد از اتمام فوروزی پیش از همه در جنگ عمارت دیده‌اند تمام مساعی خودرا صرف میکند که هر چه سریعتر ازمیان ویرانه‌های جنگ برخیزد.

به آنها بگوئید که ملت ما بجبری جز کار علاقه نمی اندیشد، از هر نوع تجاوز به جنگ نفرت دارد، خواهان صلح است و مقام خودرا درصفوف مقدم پیکار، در بین ملتهائیکه درراه صلح مبارزه میکنند حفظ خواهد کرد.»

ترجمه ع - ح

از مقدمه تاریخچه مبارزات حزب توده ایران — ا. حسامی

انقلاب گیلان

مجاهدین گیلان چگونه مبارزه میکردند،

انقلاب گیلان شراری از مشعل پر گداز، انقلاب اکثر، تجربه تاریخی پرولتاریای محروم، دوران کودکی با اصطلاح خودمان دولت سوسیالیست کشتن گیلان بود.

انقلاب گیلان به آنها از این جهت که پادرمیان آن دیروزهای خاطر توده محروم مانده بلکه از این نظر که بسیاری از رهنمای گرانبهاء بهضت ملی و دامن الهام بخش خود قرار گرفته در تاریخ کشور ما احراز است.

انقلاب گیلان گرچه بلحاظ جمع نشدن غرائض و هجوم دشمن کینه‌جو و عمومی قوای ارتجاعی آن ایام، قوای نکشته فرو نشست لیکن از طرف دیگر چون تعیین قدرت نمائی طبقات متشکل است یادآن از خاطر صفوف مظلوم اجتماع کهنه‌ما بیرون خواهد رفت.

پیش از این نهضت بزرگ مشروطیت مازندران با ماجرای محمد علی‌شاه قیام ستارخان و باقرخان، فتح تهران، مخالفت با انجام جمعیت معروف روسیه تزاری (۱۹۱۱) وجنبش دیگر عناصر ملی گرچه کاملا از جنبه‌های کارگری و توده‌ای نبوده لیکن بحکایت تاریخ هیچکدام این وجه آشکار ای انقلاب گیلان را نداشته است.

...

داستان وقایع گیلان از ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۱ مفصل و از حوصله مقاله من خارج است. اسفندیار میرزا کوچک‌خان، اعدام مرحوم دکتر حشمت در حکومت سردار معظم خراسانی (بیورتاش) زدوخورد با قوای دولتی و تراوی و غیرانها مطالبی است که دست و بانگشت و گاهی سرصاحب نوشته شده و البته هروقت که فرصت رسمه باید مجموع این حوادث تجزیه و تحلیل شود مانها از وقایع سالهای ۱۳۰۰ - ۱۲۹۹ - که دوران اوج قوای انقلابی است گفتگوی کنیم.

بهارسال ۱۲۹۹ واقع است که عده کوشش دول سرمایه‌داری بمنظور شکست انقلاب اکثر، توسعه‌اند بی‌ثمر مانده و قوای عده انقلاب کنجکاو و نیکن درسه‌ماری او کراین و عمدتا عمدتریت یافته، و دولت‌های دست نشانده گرجستان و دولت مساوات آذربایجان، چنین پایه‌ای نداشته‌اند زیرا بعد سرنگون شده‌است در همین ایام که عمر سقوط دولت مساوات و وضع قوای انقلابی بگونه‌ای مردم آذربایجان میرسد در ۱۹ فروردین قیام معروف خیابانی روی میدهد.

بعد قوای انقلابی برای تعقیب باقی مانده نیروی دیگر مرداد ماه عساکر ایران (بدیوانی) را اشغال میکند، و قوای انگلیسی، بطرف رشت و بعدها قزوین عقب می‌نشیند.

در آن ایام، مرزا کوچک‌خان جنگلی، جریان آزادیخواهی با جنبه عدالت و مورد اقبال عموم ایرانیان صور جریده کرد، بگوش آمده و متعاقب حرکت آن، عنایت آزادیخواهان و باقرخان گذشت میرزا کوچک‌خان رشت و مازندران را بدست هرهم تصرف کرده دولت مرکزی را بناچار بیک قرار داد ننگین ۱۹۱۹ وادار کرده است مورد اعتراض قرارداد و مراتب را بوسیله مقام نماینده عارت انگلستان اعلام داشت کمیته انقلابی هم تشکیل شد.

میرزا کوچک‌خان و طرفداران او در جناح راست، و احسان‌الله‌خان دوستخواه و اعضاء حزب عدالت در جناح چپ کمیته مذکور قرار داشتند در داخل تشکیلات بلحاظ تا آشنائی با اضباط حزبی میان آنان اختلافاتی روی میداد که گاه مجتهد میرزا کوچک‌خان میشد، چنانچه عنصر خواهی، قتل عمد آزادیخواهان چپ در میرزا میدان رشت در کر حزب توسط قوای میرزا کوچک‌خان از بیان قوای آزادی خواهی در گرده و بالاتوان رشت، و بالاخره مجاهدت چند ماهه رهبران آزادی هر کدام در جای خود نیروداری از ایمان گرانبهای زحمتکشان پیاست که بی از این مفصلا نوشته شده.

انقلاب گیلان پائیز سال ۱۳۰۰ خود نشست جدا از آن کوشش آزادیخواهان در مرکز، معروف نشانی و تحکیم اتحادیه‌های کارگری، و پیدا کردن جوانان مدارس که انتشار وزارت‌های خلیفت، اعضاء انجمن کار خلق، تاسیس انجمن فرهنگ گیلان، انجمن پرورش قزوین، و اتحادیه‌های کارگری و اعلان جوانان آن جمله است.

جنبش میرزا کوچک‌خان مکرر قوای عراق با آزادیخواهان آن سامان، زد و خورد میکرد پس از انقلاب مرتبه دست قوای دولتی منجمل ورشت واحرف در کشته ولی بعد عقب می‌نشینند و رشت مجددا بتصرف آزادیخواهان در میآید این قضیه دو کرتبه میدهد (کاپه غیاز آورد) انجام میگیرد.

پس از کودتا، البته آزادیخواهان حرکت مذکور را که بدست پیگانگان انجام یافته بود رسمی نشمرده با دولت رابطه پیدا نکردند پس از عزل میدهند و چهارم خرداد ۱۳۰۰ قوای الدوله بریاست دولت تعیین می‌گردد و چهار شبه اول تیرماه ۱۳۰۰ مجلس چهاردهم از هفت سال تعطیل افتتاح میشود و دولت تصمیم می‌گیرد که کوچه مکوست مان گیلان و عود آزادیخواهان را از بن‌ریشه‌کند از این رو قوای کافی بیارتمران گیلان در داود دوره ۵ مرداد ماه قوای ساعدالدوله فرزند سپهسالار را مسموم میبازد و احسان الله‌خان که با او متحد شده بود مهمان خود را در شهر آتش میزند و بطرف رشت میرود کمیته انقلابی، ضمن پایه احسان الله‌خان و انحلاط اینکه بی اجازه بیارتمران رفته بود از اداره خود خارج میکند قوای دولتی احسان الله‌خان را شکست میدهد، در این موقع اختلاف میان آزادیخواهان بیشتر و بالاخره منتهی باین می‌شود که میرزا کوچک‌خان حیدر عمواغلی را بقتل میرساند.

قتل نصیح حیدر عمواغلی را آقای لاهوتی در قطعه «مرگ مجاهد» بخوبی توصیف کرده است بعد از روز دامنه اختلاف میان جبهه‌متراقی و میرزا کوچک‌خان و عالو قربان توسعه می‌یابد و بالاخره قوای دولتی بفرماندهی وزیر جنگ (سردارسپه) در ۲۱ مهر ۱۳۰۰ وارد رشت میشود، عالو قربان که اعتقاد محکمی نداشته سراطاعت فرود میاورد وارد خدمت نظام میشود، میرزا کوچک‌خان بطرف جنگل میگریزد و بعد توسط همین قوای عالو قربان و قوای دولتی در صبح ۱۱ بهمن ۱۳۰۰ در کوههای جنگل مقتول می‌گردد و باقی عناصر آزادیخواه متواری میشود.

این بود شرح مختصری از جنبش آزادیخواهی گیلان در سالهای ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ در این مدت، تعلق و عطاء های آزادیخواهان انتشار روزنامه‌های مترقی از جمله روزنامه عدالت و ایجاد های جالب، و قیام مسلح آنان نیز، قوای ارتجاعی، باعث شد که فکر آزاد مردم باز وظیفه زحمتکش بحقوق خود معروف ۱۹۲۱ معروف به کارگر ایرانی در همین ایام اتفاق افتاده علاوه بر تشکیلات حزبی، سازمان جوانان بنام آزادی (اتحاد جوانان) فعالیت میکرد و در شهرهای گیلان قصبه داشت و در آن مدرسه اعضاء بود عده زیادی از رهای گوناگون ما موافقت مه اور را از نزدیک دیده و در بسیاری شرکت داشته‌اند، بطرف قوای انقلابی، سقوط اقتدار قرار، سقوط دولت حکومت ارتجاعی ایران، عده زیادی از جوانان پرشور آزادیخواه با سابقه انقلاب پیش رو، اما البته چون شرایط لازم مهیا نبود این افتادان تنها کاری از پیش نبرد.

انقلاب گیلان، قیام خیابانی، قیام ماژلاهوتی، و نظائر آن همه چنین علت، صورت گرفت. تاریخ این یک سال و چهارماه، حاوی همه کارها و جان بازی های بسیار است که از زوایای خاطر آفتابان بیرون کشیده و ثبت شده و خواهد شد. قتل حیدر عمواغلی، قتل عمد عناصر آزادیخواهان چپ در میدان رشت در کر حزب توسط قوای میرزا کوچک‌خان از بیان قوای آزادی خواهی در گرده و بالاتوان رشت، و بالاخره مجاهدت چند ماهه رهبران آزادی هر کدام در جای خود نیروداری از ایمان گرانبهای زحمتکشان پیاست که بی از این مفصلا نوشته شده.

انقلاب گیلان پائیز سال ۱۳۰۰ خود نشست جدا از آن کوشش آزادیخواهان در مرکز، معروف نشانی و تحکیم اتحادیه‌های کارگری، و پیدا کردن جوانان مدارس که انتشار وزارت‌های خلیفت، اعضاء انجمن کار خلق، تاسیس انجمن فرهنگ گیلان، انجمن پرورش قزوین، و اتحادیه‌های کارگری و اعلان جوانان آن جمله است.

www.iran-archive.com

برندگان جوائز درجه اول شوروی در ادبیات و سینماتوگرافی سال ۱۹۴۷

«طوفان» اثر ایلیا ارنبورگ و فیلمی که استودیوی فیلمبرداری شوروی از روی نمایشنامه معروف «کتاب سیمونوف» بنام «موضوع روسیه» ردانده است برنده جائزه هنانه شد. ضمن لیست برندگان جوائز امسال اغلب نام نویسندگان جوان که تاکنون شهرتی نداشته‌اند دیده میشود. زندگانی فیلسوف بزرگ غلیشر نوالی، مردی که در اجتماع، فکر، خیرخواهی برجسته و بینظیر بوده روی پرده سینما آورده شده است. اگر صنعت سینماتوگرافی شوروی را با صنایع سینمائی هالیوود مقایسه کنیم تفاوت فاحشی میان هنر وعلوم پائمت زنده و آزاد و یك دستگاه تجارتی که دچار انحطاط اخلاق شده است مشاهده میکنیم.

هشت روزبان اتحاد جماهیر شوروی نام برندگان جوائز امسالی ادبیات و سینماتوگرافی سال ۱۹۴۷ را رسما آگهی نمود. طبق این اعلان برانده ادبیات ۲۱ جائزه بشرح زیر تعیین داده شده است.

۱- ۹ جائزه درجه اول (۱۰۰۰۰۰ روبل)

۲- ۱۲ جائزه درجه دوم (۵۰۰۰۰ روبل)

۳- ۷ جائزه درجه سوم (۲۵۰۰۰ روبل)

ضمنا ۱۴ جائزه برای فیلمهای سینمائی ووقایع برجسته تعیین شده و چون این جوائز به جوائز کوچکتری نیز تقسیم شده است جای تعداد کافی از برندگان در لیست منتشره ۹۶۱۰ نفر دیده میشود.

برندگان جائزه ادبیات و سینماتوگرافی با سایر جوائز دیگر در کشور شوروی از بین ده‌ها هزار اثر که گذشته از سیصد سالی لیست تمام برندگان نویسندگان توانا در این صنایع نظر کرده میکند و نظیان که منتخب خود ملت هستند بسا موفقیتی و موجه زیاد تمام آثار را یك یك بررسی و بحثی نموده آنها را بدون کلیه و به تجارتی کار یادداشت دیده‌اند.

جوائز امسالی از سال ۱۹۳۹ ببعد یعنی از قسمتهای سال توانه زوزف ستالین و سر زمینهای مجزا شده. این جوائز بیشترین اثری که در طول سال دوره‌های گوناگون هنر، علم، ادب نوشته شده نشان گرفته و به سیستم زندگی و جنگی به آن پاداش داده میشود.

قاضی و مرجع صلاحیتدار برای تشخیص آثار و برندگان جوائز می‌باشد که توسط خود مردم از بین مردمان شعراء ادبا انتخاب میشود.

طبقات زندگی مردم شوروی گذشته پر از تحسین و تعجب آینده‌ای وجد و شعور، بیان صفات قهرمانان، تاثر از و برابیهای و مبارزه جنگجویان فاشیست با موضوع نوشتجات نویسندگان و فیلمبرداران شوروی است که موزه آنرا از زندگی روزمره مردم دیگر نه نسبت برندگان جوائز امسال متعلق بنام نویسندگان و شعرای جوان و قدیمی است که در قالب اشعار زیبا با آهنگ‌هائی که هنر و ادبیات موسیقیائی از آن مرتبه میگیرد زندگانی مردم شوروی را توصیف کرده‌اند.

شعرا و نویسندگان قدیمی کسانی هستند که طی سالهای متمادی کوشش صنعتگری تاثیر شهرت جهانی کسب نموده‌اند و شعرا و نویسندگان نوری و تازه‌کار آنهائی میباشند که در اثر تربیت و پشتکار توانسته‌اند نام خود را همردیف هنرمندان طراز یك شوروی نمایند.

این هنرمندان بطور اتم و اکمل تابلوهای زیبا و دلنشینی از زندگی مردم قهرمان شوروی ترسیم و از میان روزهای فراموش نشدنی جنگ جهانی شوروی خاطرات پر افتخاری بیرون کشیده و بدون پیرایه و مبالغه یك جوهر است آنرا در دسترس مردم گذارده‌اند.

آنها سیمای مردانه جنگجویان دلاور شوروی را که برای میهن آزادی، شرافت جنگیده‌اند بی‌نقص و بی‌عیب تصویر و روح آزادی دوست مردم شوروی را که مملو از رافت و عطوفت است با روشنترین و نگهها مجسم نموده‌اند.

برندگان اولین جوائز ادبیات شر عبارتند از: ایلیا ایلیچ ارنبورگ بنام «طوفان» و ویرجیل کتابی بنام «وفادار» و ایلیا ارنبورگ نویسنده رومان «طوفان».

این سه کتاب مملو از سادگی و پرورش شروع استقلال و آزادی ملی، پاره کردن زنجیر های عادات و رسوم کهنه و غلط چیزی است که بر تمام نوشتجات نویسندگان شوروی مستولی است. نویسندگان شوروی بیشتر به کیفیت و چگونگی زندگانی مردم شوروی در حال حاضر اهمیت میدهند و این معنی آنرا میدهد که گذشته پر افتخار خود را فراموش کرده‌اند. ضمن جوائز برای ترادیسیون‌های تاریخی هر چه بیش جائزه تخصیص داده شده است.

برنده یکی از این جوائز باو کوفیلوف است که یك رومان تاریخی راجع به «ایوان گروزنی» نوشته است نام برنده دیگر «و آسانیوف» میباشد که کتاب خود را وقف زندگانی کیوبیشو مرد شوروی و کلیه نموده است.

«ایلیا کاتایف» برنده دیگر جائزه است که شرح مفصلی درباره «گری بایدوف» و «واسیلیف» نوشته است. یك جائزه در ضمیمه داده میشد که به تحقیقات صحنه‌ای تحت عنوان «لنین و مسئله ادبیات شوروی در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم» نموده است.

موفقیت ملی مخلف فیلم روسی که پاداش جوائز ملی شوروی زندگی میکند در قسمت ادبیات فاش شده و معنی است.

در بین برندگان جوائز نام «ایلیا ارنبورگ» شاعر و گرایی - سیاسی نامه امروز و روسی، «زان کاتایف» «ایلیا اوبرمرو» و «نیکولای سیمونوف» نمایشنامه نویس اسوپا و «واسیلی گروسمن» و برای کریاوف در بین نویسندگان جلب نظر می کند.

واضح و روشن است که موضوعات و مضمونهائی است که در نظر نویسندگان شوروی که هر یك استوار کارهای خاصی برای خود گرفته و نمود نمایی میکند در تمام این نوشتجات که از جنگ بزرگ بحث است یك حرف و یك جمله پیدا میکنید که مفهوم اصلی خواننده را تحریر کند که ادبیات شوروی از نمود گوناگونی دنیای جوانمردی و آزادی دارد و دنیا بطور میتواند زندگی خود را بدون ادبیات ادامه دهد. مشخصات در آثار شوروی با «بی» نهایتسو «برادر بشر» پیدا بحث میشود در ادبیات، در صنعت شوروی، در میان ملت شوروی از بینی‌ها رانده‌اند.

* * *

پیروزی عظیمی در رشته سینما و تئاتر در سال گذشته نصیب ملت شوروی شد.

در صنعت سینما و تئاتر به ترتیب:

۱) فیلم فیلمی بنام «داستان مردمین» بنام «حضرت هیرو» و «ایوان بزرگ» گذشته این داستان توصیف واقعی زندگانی زنان و مردان شوروی شوروی میباشد است (۲) فیلم «موضوع روسیه» و «هیرو» و «ایوان بزرگ» و «سیکوف» هر سه از زندگی یك روزنامه‌نگار شوروی است که داستان خود را وقف تربیت نسل جوان شوروی نموده است.

(۳) فیلم «موضوع روسیه» بر هنری و «روز» که نمایش از ضایعات مطبوعات آمریکا است.

نمایشنامه «موضوع روسیه» فیلمی است که با کمی جرح و تعدیل از نمایشنامه نویسنده مشهور شوروی «ک. گ. سیمونوف» ترتیب داده شده است.

پنج جائزه (۳) جائزه رایشهای رنگی دستگاههای فیلمبرداری بوده‌اند. طرز رنگ آمیزی این فیلمها پیشه است و حتی موجز از تمام رنگی استودیوهای شوروی است که تا کنون بوجود آمده. صنعت فیلمبرداری شوروی هر روز به موفقیتهای نسائل میگردد و در گرفتن اهداف صنعت سینماتوگرافی شوروی نیز همین موضوع است.

فرصت فیلمهائی که در نوامبر برجسته برداشته شده دو جائزه عجیب استودیو های فیلمبرداری غیر شوروی شده است یکی از این دو فیلم بنام «زندگی در سنگر» یك فیلم انگلیسی است که صحنه هائی از استوری مردم‌های آمریکا جنگ اخیر نشان میدهد. و دیگری فیلمی است از زندگی غلیشر نوالی شاعر بزرگ قرن بیستم غلیشر نوالی در بین خلقهای مجزوا فیلمهای خاصی دارد.

ضاکاری و وجد و شوق بوده و طوفانی از حوادث در آنها می‌خروشد.

این سه کتاب صرف خصوصیات مردم شوروی در جنگ وصلح و زنده کننده خاطرات جاودان نبرد شوروی با قدیمیهای آلمان و تاثیر و تمنای از پیروزی بر اشغال جنگ کنان شرح است.

در تون «طوفان نهفته» از میکائیل یونوف نویسنده جوان و پرشوری که در جنگ جهانی اخیر در صفوف مقدم جبهه مردانه جنگ می کرد پرده‌های از روز های تحت جنگ شوروی و آلمان و امر های بزرگی که آسمان آزادی و صلح فراگرفته بود رجوع میشود.

ایلیا ارنبورگ نویسنده پر از خشونت در بین هوسهای «طوفان» بازار مرحله های بزرگی گذشته و سرانجام فرانسه، آلمان و تمام کشور هائی که در میان شرارتهای آتش جنگ میسوزند نمود. او در کتاب «مرحله‌های رشد» و زندگی در جنگ جهانی اخیر تصویر و ترسیم می کند که دیگر طوفان جنگ بوده اند توضیحا میکند.

در پیروزی حاضر هیتلرگرد مردمان اصیلی با حافظه بی بعد، با حالات بازی می‌نماید با بنده نظری پشت پاره‌ها و همچنان میاورد و استاد گی تمام نقش بازی روشن و با بهارت فنان تحسین مردمین شوروی را در پیروزی در میان در بالای کارهای مجموعه ایستاد و سر انجام با مردانگی تاریخ طوفان را شکسته و جان خود بها بشر خود را رهائی میبخشید توصیف میشد.

«بازلیکو» در تون خود «دام کاهنده» از تعلی روزهای جنگ جنگ صحبت میکند.

قهرمان داستان بازلیکو کاتن جنگجوئی است که در دهانی از جنگ‌های در جراحات عمده اعضا در منطقه در طغیانی در میباشد.

از بازلیکو باین سادگی و بنا خاطرات زنده گانی جنگ و صلح یك قلم مانند نمایند. بلکه در این تون جنگی نامردم فاد و سرخوشی که با صلح و آزادی مجدداً آغاز کرده و سرچشمه و زندگی خود برمیگردند و هر یك خاطره، کارها، مردم نظام و سرنوشتها میشود را در اشعاری بیشتر میخوانند.

علاوه بر این سه کتاب که یك نمود همان اضطراب و تاثیر عمیق خواننده ایجاد میکند، نویسنده گی که کوشش‌های مداوم ملت شوروی را در دور گرامیع در راه پایداری صلح و جوانی و همین مجسم و پرده های واقعی از آن ترسیم نموده‌اند بیانی داده شده است.

ملت شوروی صاحبکار که با خاطرات برانگیخته خود در طول سالهای جنگ میمیرند، شوروی علاقه خلق شوروی که با روح آزاد و سرکش و برقراری اصول واقعی دموکراسی و آزادی سعی دارد صلح را جاویه نمایه انتخار می‌نماید.

نوشتجاتی که به وزنه گاری ملت شوروی در روز گار صلح و کوشش مداوم برای ایجاد صلح و دموکراسی واقعی، تخصیص داده شده‌اند بی‌نهایت برده است مانند نوشتجات داستان داستان نویس معروف موسوم «ا. کاتایف» که مربوط بتجدید فعالیت مردم شوروی در ناحیه «ودیاس» است و شعری که توسط شاعر جوان بنام «آ. سیکوف» و «و. ن. گریاکوف» پیرامون مزارع اشتراکی و دهقانهای ویرانه‌ای که هر روزه باعث دهقانان شوروی آباد میشود سرودهاند جلب عامی دارد.

مردان بزرگ — ج. معینی

روسو

«زور ایجاد حق نمیکند»

«در دولتهای فاسد و حکومت های ظالم مساوات اجتماعی فقط ظاهری و موهوم است و تنها برای این بکار میرود که تطاول اغنیا و فلاکت فقرا را باقی نگاهدارد و عملا قوانین نفع کسانی است که چیز دارند و بضرر آنهائی است که مالك نیستند»

ژان ژاک روسو سال ۱۷۱۲ در شهر ژنو متولد شد. پدرش یك عرصامت ساز بود که بعدها جای پدر آمد. مادرش ژاك را بمنزل سپرد و خود زود از دنیا گفت. ژاك مدتی نزد کشیشی بفرا گرفتن علوم دینی و چند صباحی بکار گراورسازی مشغول بود.

طبع سرکش و ناسازگار او با نظم و ترتیب صناعت و اداره‌ی هر روز در شهری و هر شب در خانه‌ای بسر میبرد. از این به لوزان و از لوزان به شاتنل و پاریس میرفت و هر کجا که نهضت میشد به نزد مادام دووارنس نامی رود میاورد.

شغل صناعی و تعلیم موسیقی هم موجبات آسایش و رضای خاطر وی را فراهم نکرد لذا سه تابستان در نهایت خوشی در خانه یلاقی قسمت متعلق بمادام دووارنس بحالت و استراحت و تجربه‌اندوزی رساله خود گذرانید. در سال ۱۷۴۱ پاریس مراجعت کرده و بسوان منشی سفیر فرانسه بونیزمشغول واقعه اوپا مقرر شد و مجددا بنا دست بهی پاریس بازگشت و در سی سالگی از طرف دیدروماموریت برای دایرةالمعارف فرانسه بفلاتی چند اجرا موسیقی پیوسته. در سال ۱۷۴۹ در مسابقه فرهنگستان دژن شرکت نمود و شهرت وی از این تاریخ شروع و با عطایه «مشاء و اساس عدم مساوات افراد بشر» زیادتر شد.

تقدیر اوزوت و آمد در مجالس و مجامع اشراف و محافل ادبی وی را مصمم بهرت و ادوار کرد و از پاریس خارج شد و مدتی در قصر مادام دوپمپی وفاداران دولو گراموری مسکن گزید و دو سالهای اقامت در موسیقی رمان «ژولی» را تمام کرد و نامه خود را به فالسیرانس و نمایشات نوشت و «امیل» و «قرارداد اجتماعی» را بقلم تحریر در آورد. دانشگاه سوربون کتاب امیل را بحکم و مناسب و مضر مواجهی کتاب و توقیف روسو را صادر کرد ولی روسو با کمك مارشال دولو گراموری فرار نمود.

از انتشار کتاب «امیل» در پاریس بن و هلند و حتی ژنو وی را دچار گرفته و روسو را ناچار به بروکسل برد و مناسبات مردم آنجا هم بحرف کشیدن منصب مردم خانه او را سنگ باران کرده. روسو را چاره نبود و به ایران رفت و واقع در نوشتن را ترك گفته و پس از آوارگی زیاد در سال ۱۷۶۰ بانگلستان رفت و ۱۲ سال در منزل «دیوید هیوم» بسر برد و خاطرات خود را که بعدها بنام «اعترافات» منتشر شد برشته تحریر در آورد.

بعد هاباز بپاریس رفت و حتی بدگمانی او نسبت بژنو چنین میشد که مدتی موزاری بود تا در ۱۷۷۸ پاریس برگشت و برای امرار معاش با آموزش کردن نوتهای موسیقی پرداخت. حتی بدگمانی برده موجب تحریر «دیالوگ» و «مصاف هراسیوس هرشد مدامات» شد.

در سال ۱۷۷۷ دعوت مسارکی دوژرارد دی را قبول کرد و ابتدا چند نزد وی رحل اقامت افکند تا در دوم ژوئیه ۱۷۷۸ زندگی را بدرود گفت.

از نتیجه نوشته ها و افکار روسو در انقلاب کبیر فرانسه بخوبی دیده بطوریکه باید گفت یکی از مبتکرین انقلاب ۱۷۸۹ که منجر به واژگون شدن بساط سلطنت لوئی ۱۶ و امضای قانون اساسی گردید روسو بود. صبح مقالات مارا و نطق‌های میراب و مادام رولاند و روسپیر و عده دیگری از سران انقلاب فرانسه آثار روسو بوده است.

مخلص نمایندگان هم برای تجلیل او مجسمه‌ای را در معبد اعضای عضوات قرارداده و کتاب «ژرژ ساند» امضای «را بیاوی آن گذاشته.

من اطلاعیه حقوق بشر مخصوصا درمورد حق مالکیت و پیدایش قسمت اقتدار افکار روسو اعتبار زیادی داشته است و مکتب فیلسوف مشهور در اینباره مینویسد «مطابق روسو اساس مقابله کاستها تشکیل میدهد».

روسو بطور کلی هرچه را صبوری «دوزوانی» و مخالف صناعت معتقد بود و آثار وی مخصوصا قرارداد اجتماعی مورد این مدعاست. وی درباره قانون می‌نویسد:

«ممکن است گفته شود که قانون را که باید وضع کند؟ میگوییم «قانون زاده اراده عمومی است». و در جائی دیگر می‌نویسد «میگوییم قوانین از طرف مردم است و تمام زورمندان و زاو فرمانده است ولی این دلیل نمی شود که برای دفع زورمندان اقدام بتکلیم زورا زور ایجاد حق بنی کند» روسو می‌گوید:

«اختلاف بین کشور های آزاد و ملت سلطنتی در این است که در ممالك آزاد کلیه منافع دولت صرف تامین منافع عمومی در شود درصورتی که در کشورهای سلطنتی نیروی ملت و قدرت حکومت باهم نسبت عکسی دارند یعنی هرقدر توانائی ملت کم شود قدرت حکومت زیاد میگردد و عبارت دیگر همین اینکه حکومت بسرای سعادتمند ساختن مردم بیاید آنها را بچاره و زبون میسازد تا بتواند بر آنها حکومت نماید».

واضح می نماید.

«ملت انگلیس تصور میکند آزاد است ولی اشتباه میکند. آزادی حقیقی او منحصر بهمان چند روزی است که مشغول انتخاب اعضای پارلمان می باشد و بمحض اینکه نمایندگان انتخاب شدند ملت دوباره بنده میگردد و بلکه هیچ میشود».

در آثار روسو بقایه واقعگاری پرمیخوریم که امروز بکلی مردود و مطرود است ولی روسو پرچمدار عقاید فئودالیسم کبیر فرانسه و بخصوص اعضاء فئودالیسم در فرانسه غیر قابل انکار میباشد.

مشهور بین از چهل قرن دو ستاره روی صفحه زندگی قرار میگیرد و باتبسم و تعفن به مردم نگاه میکند. آنقدر این فیلم خوب و خلیجی است که بنده‌ام باشتباه میاندازد. این فیلم و تمام فیلم هائی که برنده جائزه استالین قسمت شده‌اند به صرف خصوصیت هیتلرگرمت شوروی هستند. در این فیلمها همچنانکه گرافیک افراتی دیده میشود هرچه مطلق پرده هائی از واقعیات و حقائق زنده و آشکار زندگی است. این فیلمها که مکاتبی از جریانات زندگی ملت فداکار شوروی است و حتی باشیانهای عادتی کیاپهای تهیه برداری هالیوود دارد. سادگی زیبائی و مفهوم واقعی کلمه طبیعی بودن، آهنگ زندگی طبیعی مردم است. هنری، آنچه از علوم هنر موسیقی ادبیات میگیرد که دنیای نویسنده پیشرفتهای اوست. اینهاست مختصات هنر و داستان شوروی و این آن چیزهائی است که جداسازی و بررسی هنرهای شوروی از نظر میتوان چاره‌ی جوان‌ترین.

ترجمه: ک. ک.

جدول آدینه

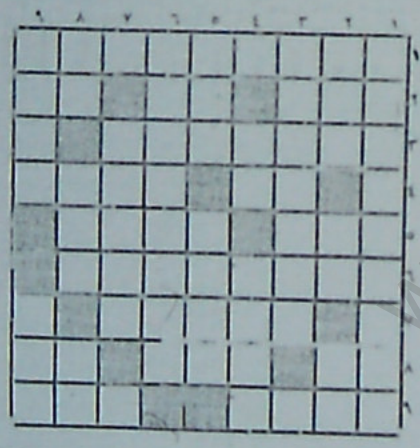

عمودی

۱- پروزهای جمله نقل‌دارد
۲- راهی - صنعت - نکته کلام‌جامعها
۳- طهران اخیر استعداد
۴- میکنند - جا میدهد
۵- شما به بنیه - اگر وامورا داشت عداوت
۶- یك امتیاز درهم
۷- از آنطرف برای آزادجوانان تهیه میشود.
۸- اگر آنچه بود این بود - اقلب ماها داریم - مو
۹- برای ماجرب نوده ایران است - جوانان میخواه.

افقی

تکرار آنچه که گفته شده است لازم نیست

طرح کننده ه - جوادیان

قیمت و پول

نگارش

دکتر علی‌اکبر مدنی

چاپ دوم با اضافات و تصحیحات کتابخانه ابن‌سینا

قیمت سی ریال

جریان محاکمه آقای خسرو روزبه

(۵)

فلا من بحثی ندارم درباینکه جرم مطبوعاتی چیست و موقع خود در اطراف آن صحبت میکنم ولی معتقد اینست که این مبارزین انتساب باتهام درغیرخدمت صورت گرفته یعنی در هنگامیکه این جانب متواری بوده است، پس به این ترتیب معلوم میشود که رسیدگی باین پرونده از صلاحیت دادگاههای نظامی نیست مخصوصاً که ماده ۱۹۶ اصول محاکمات مینویسد

اگر شخصی مرتکب چند جرم در حالهای مختلف بشود و در محکمه‌ای بآن جرم رسیدگی میشود که مهمترین از جرایم درمورد آن واقع شده است.

اینک میرداریم بموضوع کیفر خواست و کیفر خواست مجاور اتهام این جانب و ۳۰۶ ماده منطبق گردانده یکی ماده ۱۱۷ از قانون مجازات عمومی دیگری ماده ۸۱ از همین قانون و ماده ۲۴ قانون دادرسی ارتش و بالاخره ماده ۳۱۲ از قانون آیین اینکه در اطراف این مواد بحث میکنیم در مورد ماده ۸۱ چنین میگوید هر کس نسبت برئیس مملکت بهر نحوی از انحاء توهین نماید از ۳ ماه تا ۲ سال محکوم بحبس تادیبی خواهد شد

در اینجا دو موضوع جالب توجه است که اولا رئیس مملکت کیست و ثانیا هر نحوی از انحاء چه معنی دارد درمورد اول پس در تشخیص رئیس مملکت رئیس جمهور یا رئیس الوزراء یا نخست وزیر و قانون این موضوع بطور مکرر رد میشود.

در مورد توجه این مواد در بحث سوم نوشته است در موضعه نسبت برئیس مملکت و بحث بالا نوشته مواد را تعیین کرده در جزئی که در های دیگر اضافه کرده است موضعه نسبت به اعضای هیات وزیران شاهنشاهی یا والاحضرت هما یون ولیعهد این مرتبه‌ها نظر قانون گذاری را نشان میدهد و معلوم میشد که منظور از رئیس مملکت شاهنشاه نیست در کیفر خواست تطبیقی نوشته شده در مورد اهانت بمقام منظم طبق ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی

بنابراین بسهولت میتوان فهمید که تنظیم کننده کیفر خواست یا قانون آشنا نبوده و یا اقدام اشتباه کرده است موضوع دیگر بحث در مرتبه چهارم بحثی در اینجا چون در قوانین موجود مواد زیادی که بیک یک آنها اشاره میکنم برای جرایم مطبوعاتی وضع شده است بنابراین بسهولت میتوان فهمید که در مقابل ماده ۱۰۰ و منظور از (بهر نحوی از انحاء) مقاله یا کتاب نیست بنابراین ماده مورد استناد دادستان وارد نمیباشد.

قانون تشکیل هیئت و ارجاع کرده و سای عمومی تشکیل داده است در ماده دوم قانون مجازات عمومی نوشته شده که هیچ عملی را نمیتوان جرم دانست مگر آنکه (موجب قانون جرم شناخته شده) پس با توجه باین ماده هیچکس حق ندارد استنباطات خود را جرم بداند. عمل موضوعی جرم است که دارای تعریف قانونی باشد.

اینک توجه میکنم باینکه جرائم مطبوعاتی چه نوع جرائمی هستند.

اصل بیستم متمم قانون اساسی که مطبوعات را آزاد گذارده و ممیزی در آنها را ممنوع کرده است ولی بشرط آنکه اگر چیز مخالفی در آنها دیده شد طبق قانون مطبوعات مجرم تعقیب گردد.

پس بدین ترتیب میتوان این اصل را در یک کلمه خلاصه نمود و آن اصل ماده ۸۱ یعنی ماده‌ایکه مربوط باهانت مطبوعات نسبت منطبق کرد.

ماده اول قانون هیئت منصفه مصوبه ۱۳۰۱ عطف به اصل ۷۹ متمم قانون اساسی رسیدگی به جرمهای چاپی و مطبوعاتی را در دیوان عالی و باحضور هیئت منصفه میداند.

ماده دوم همین قانون پس توجه (جرمی که بوسیله کتاب یا مطبوعات مرتکب الانتشار واقع شود جرم مطبوعاتی است) من گمان میکنم تعریفی از این صریح تر جامع تر و رساتر باشد در تعریف این ماده میخوانیم

مقصود از مطبوعات مرتب الانتشار جریده یا نشریه یا مطبوع دیگر است که چاپ آن منتظر شمارهٔ دوم یا بفواصل معین

باشد (مثل روزنامه یا مجله و امثال آن پس با در نظر گرفتن این ماده و تبصره آن که قرائت کردیم اصولا کتاب روزنامه مجله و امثال آن ممکن است منطبق با جرم مطبوعاتی شناخته شود در ماده سوم همین قانون جرمهای غیر مطبوعاتی را که محاکمه آنها بدون حضور هیئت منصفه است تشریح کرده و قاضی رسان محترم بسهولت میتوانند مورد استفاده قرار دهند.

در اینجا لازم است که برای تایید آن مطلب که رئیس مملکت و ارشاد مملکت معاد کرده بندهای سوم و چهارم ماده سوم قانون هیئت منصفه را یادآوری کنم که در آنجا چنین آمده است

۶۵ نقض داده شد

در مورد اول و دوم باید توجه دادرسان محترم را بمسائل ۲۰ از متمم قانون اساسی و مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون هیئت منصفه جلب کرده و برای آنکه موضوع بهتر روشن شود و قضیه بطور مطلوبی تجزیه و تحلیل گردد بقانون استناد مینمایم.

ماده ۶۸ از قانون مطبوعات میگوید سیاست انتظامیکه باشتار اوراق و قوه باعث سلب مینماید و اعلان آسایش عمومی و انتظام داخله شود هیچ مجلس اقتضائی که از مرتکبین قتل و غارت منتشر شده و آشوب تولید نتیجه کند همان است که در ماده ۲۶ و ۲۷ مذکور شد

ماده ۲۷ میگوید تجزیه و تهیج به قتل سرقت و غارت یا تصرف قدرت نظامی در جرایم اعم از اینکه موثر قوه یا نشود یکسال تا ۵ سال حبس و مجازات خواهد داشت. من الان نمی خواهم وارد این موضوع بشوم که منظور کتاب یکی از مواد ماده ۲۶ و ۲۸ جرم است یا نیست این مطلبی است که در همین دفاع از رساله روشن خواهد شد ولی همین آنکه چنین موضوعی مطرح باشد ماده ۲۶۲ قرارداد و سیاست دادستان دادگاه باین مواد استناد کرده باشد در ماده ۲۹ همین قانون نوشته شده تجزیه و تهیج اهالی بطغیان بر علیه دولت اعتصاب نظامی در حکم ماده ۲۷ است پس اگر بما فرض محال بنا را بر آن بگذاریم که می با انتشار کتاب جرم قصد تجزیه و تشویق و تهیج افسران و نافرمانی داده‌اند طبق این قانون منطبق با ماده ۲۹ است و بازهم موضوع ماده ۲۶۲ منتفی است

برای آنکه روشن شود که در ماده ۲۶ و ۲۷ قصد قانون گذار افراد و تجزیه زیادی بوده یا از طریق مطبوعات باز هم چه بوده قانون استناد میکنم و اینکه در تمام موارد بحث من یک بحث قضائی است و قصد دارم بگویم که اولا این مرتکب جرمی هستم و ثانیا جرم من چطور است آیا من در ماده است یا نیست کلیم که استناد ماده ۲۶۲ بی مورد بوده است و الا تشخیص جرم و انطباق آن با قانون جرم و مطابقت دادن مجرم است

ماده پنجم قرارداد ۶ قانون مجازات عمومی میگوید: هر کس برای یکی از جرایم و یا جرایمی به دو کرور در مواد ۱ و ۲ و ۳ در ایران بنحوی از انحاء تبلیغ نماید و هرایرانی که در خارج مطبوعات ایران و یا بنحوی که دولت بنحوی از انحاء در خارج ایران تبلیغ کند محکوم یک سال تا ۵ سال حبس تادیبی خواهد شد برای آنکه مطلب روشن تر شود ماده ۲ و ۳ را نیز میخوانم ماده ۲ میگوید هر کس بنحوی از انحاء برای جدا کردن قسمتی از ایران یا برای الحاق و اوردن بتابعیت و استقلال آن اقدام نماید محکوم بحبس موقت یا اعمال شاقه خواهد شد ماده سوم هر کس خواه با مشارکت خارجی و خواه مستقلا بر ضد مملکت ایران مسلحانه قیام نماید محکوم باعدام میشود.

فرض میکنیم که بنده بی باحیائی قصد ارتکاب جرایم مواد ۲ و ۳ را داشته باشد و این موضوع نیز حقیقت داشته باشد البته چون بحث میکنیم فرض کردن مانعی ندارد و فرض هم میکنیم که من برای آنها تبلیغ کرده ام و باز این تبلیغ هم صحت داشته باشد در اینصورت چون باشد و میگوید بحدی از اعمال بنابراین اگر قانون مجازات را بدقت بگیریم تا جرم منطبق بر مرتکب ارتش میگوید (هر کسیکه نظامیان را بالحان بدشان و پایمان یا بارتش متفرق اغوا و تشویق کند و یا علاوه سایل تسهیل الحاق آنها را فراهم آورد و یا برای دولتیکه با ایران داخل جنگ است جمع آوری استخدام نماید بحبس حبسات شاقه و مصکوم باعدام است) این ماده است که دادستان دادگاه در کیفرخواست بمان استناد جسته است اینک میخواهیم در اطراف آن بحث کنیم

اول باید دید که آیا جرم منطبق با این ماده است یا نه تا با موضوع اغوا و تشویق که در این ماده ذکر شده چه نوع اغوا و تشویقی است اغوا و تشویق زبانی یا اغوا و تشویق بوسیله مطبوعات

اطلاعاتی چند درباره

کشاورزی ایران و زندگی دهقانان

«از این به بعد در این ستون اطلاعات مختصری که حاوی یک مقاله درباره کشاورزی ایران و زندگی دهقانان از نقاط مختلف کشور میرسد برای اطلاع خوانندگان درج میگردد. دهقانان نقاط مختلف ایران میتوانند از این ستون برای انتشار نظریات، شکایات و نقاضاهای خود استفاده کنند.»

آفات نباتی در ایران

در اثر عدم توجه دولت غالبا مقدار زیادی از محصول آفت زده میشود و از بین میرود. آنچه از غارت اربابها باقی میماند طعمه ملخ و موش و حشرات میگردد. آفات زراعتی در هر سال میلیاردها ریال خسارت وارد میاورد.

علاوه بر خشکسالی، لشکر، سیل، سرمازدگی، زلزله و سایر حوادثی که همه ساله قسمتی از دهقانان ایران را به خاک سیاه نشانده، مسامحت عدم توجه دولت و فساد دستگاه دولتی، میلیاردها ریال خسارت مستقیم و نابود آفات نباتی فراوان است که نتیجه یکسال حق و زحمت غالب دهقانان را بباد میدهد. خسارت آفات عمده بنابی شرح زیر میباشد.

۱- خسارت ملخ و موش صحرائی طبق آمار موجود در اداره دفع آفات نباتی سالیانه ۵۰۰۰۰۰۰ تا ۱۵۲۶۰ ریال

درست دقت کنید: یک میلیارد و پنجصد و شصت میلیون ریال.

۲- خسارت وارده به محصول پنبه سالیانه ۹۰۰۰۰۰۰۰ ریال

۳- خسارت وارده به محصول چغندر قند سالیانه ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال

۴- خسارت وارده به انجیر و خرما و پسته سالیانه ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال

بطوریکه ملاحظه میشود سالیانه ۲۰۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال یعنی بیش از ۲ میلیارد ریال، و متجاوز از نصف کل درآمد کشور فقط بعلت عدم دفع آفات زراعتی میباشد.

علاوه بر آفات فوق الذکر بیماریهای گیاهی و پوسیدگی در حبوبات مختلف خسارت بسیاری وارد میکند برای نمونه میتوان گفت که در کرمانشاه بیش از ۱۰۰ درصد محصول پوسیده میماند از بین میرود. روغنی که اهالی گیلان و دورود تهیه میکنند از دست آفتزدگی آب رودخانه میباشد و دولت و مجلس ما تنها یک بند بر از تو گری احداث و غیره دیگری برای خود تصور میکنند.

در فارس

خان‌های فئودالی اراضی مالکین متوسط و خرده مالکین را صاحب شده‌اند. کدخدا‌ها بصورت نوکران و چیره خواران در آمده‌اند. حساب و کتاب و سهمی در کار نیست، نتیجه زحمتکشان فرو در حمت کش قربانی مطامع خان میشود.

خوب بود جناب آقای دکتر فاطمی برای یک نمونه‌ای از زندگی فرون وسطائی و اطلاعه فرمایند چگونه است و سوئیس مثلی به فارس میگردند.

در تمام نقاط فارس بخصوص فارس که محل یلاق و قشلاق ایل میباشد دیگر خرده مالکی وجود ندارد.

خان های فئودالی نه تنها املاک خرده مالکین را تصاحب کرده‌اند بلکه اراضی مالکین عمده را نیز با زور و تهدید به صرفنظر آورده‌اند.

کدخدا‌ها که یکی از وسایل اعمال نوکر های وسیع فئودالی بود، اینها بواسطه نااهلی و خود رو از کون خان.

کدخدا‌های سابق اکنون بعضی در نقاطی دریافت خان و لیان و چیره روزانه بصورت خان در آمده و برخی دیگر در حوار چاره خان و محافظت کدخدا مامور باقه اند.

این عده مانند بدموز خرید باطراف چادر خان طواف کرده و زنه گی واعاظ آنها از لیسیدن استخوانهائیکه از سفره خان زیاد میماند (!) خان و رعایت و بصلاح به دهنده ملتوفه و دعا به جان خان میکنند که آنها را زنده گذارند و از آنها بدست بی خواهند. هرچگونه صاحب کاری در کار آنها نیست چطوریکه اگر خان از آنها بر گردد باید از گرسنگی بمیرند.

ولی بالاخره دهقانان زحمت کش ایران به این بساط خان بازی خاتمه خواهند داد.

نگرانی از قضیه «معمره» خوزستان

جناب آقای وزیر. این مسلم است که بطور اختصار از حال بلاتکلیف مردم غیر زحمتکش این حدود مستحضرید که سالها میباشد تحویل زمین و ملتفان را نموده تا بتوانند از محصول یک تختستان که چندین سال برای رفع آن متحمل خسارت و زحمت شده‌اند استفاده نمایند. من از رفقه هرچقدر نیز یکسال باینطرف امور مهیئت خودم حالا را از طریق وزارت اداره نمودند تا آخر سال چنانچه فرمایند خود بلاواسطه هم بدست خلیکزان بدهیم.

بخصوص اینجانبان اهالی قصبه و سرور که از یک در بواسطه زمینهای ما در آب شوراست محصول آنها هم نسبت سایر جاهای دیگر که آب شیرین دارند نباید دو یک نیست.

زراعت میزی و غیره نداریم آب مشروب خود و حیوانات را از قلت فرسخی بوسیله بلم تهیه میکنیم زنه گی ما فرق بارفاق توجه است.

... باین وصف اداره دارائی از هر نفر سالیانه ۱۰ ریال میستاند. چنانچه ومیزان تعدادی از ساختمانهای ما تاچار بعنوان مالیات میدهد از هر خانوار در شهری با وضع فلاکت بار زنه گی نمائیم.

شکایت خرده مالکین و دهقانان قریه حصور دهستان «قریتین» اصفهان

نظریا مقدمه غیر صحت بوده‌اند است. جزئی چشمه‌سار وقات معروفه و بنیه کار نداریم از آنجائیکه بوسیله پرشوبان زراعت میکنیم و ادارات زنه گی ما اداره میشود و در سال جاری بعلت بچشمن پرشوصم آب جزئی زراعت و اشجار و تاکات که داریم و محصولات که بوجود آوری آب مشکل بلاسر گردیده و اشجار و تاکات دراثر آفتزدگی و عدم آب یکی سه دو بوده زراعت خودرو که فعلا آب داریم و بزراعت کرده‌ایم.

از دست بیچارگی اقلیمهائی بلت دهقانی قوت بوسیله موزاری شده‌اند عده‌ای بیم و از کار افتاده و اطفال صغیر مانده‌ایم آنهم از عدم وسایل زنه گی تو بروت هزا و برف تلف خواهیم شد. میزمالیات مبلغ هشت هزار ریال مالیات برای این بیچارگان وضع کرده‌است و برای اینکه پول بدهیم و بدهیم از هر طرفی بر مالیات اسباب بدهی ما را فراهم کرده‌است اکنون همه فقط مالیات صنیم و هر چه داد و فریادی کنیم و وسائل به جائی نرسید گی نمی‌نماید.

ترجمه: علی‌رضا - صفوت‌نیا

از مجله ادبی شوروی

زندگی و ادبیات کشورهای اروپای خاوری

رهانندگان یا سوداگران روح اروپائی

هنگامیکه طرفداران اصول کهنه و قدیمی در برابر نظریات منطقی و علمی سازندگان دنیای نو در کلیه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، ایده‌اولوژی تاب مقاومت ندارند دست بدامان تئوری های گوناگون با ظاهر سازی های فراوانی می‌شوند تا مگر جریان تاریخ را عوض کنند - ولی همانطور که تاریخ نشان داده است بالاخره آنها با تمام دست و پائی که میزنند محکوم بزوال‌اند.

مجله آمریکائی «لایف» در یکی از شماره‌های اخیر خود با حسن جائی کاملی نوشته بود که: در مواقع بحرانی دولت آمریکا، تنها باید تابعیت کان و مستشاران اقتصادی در ممالک خارج داشته باشد بلکه باید مدیران زیادی هم بممالک خارجه بفرستد.

باید دانست که لازم نیست تمام مدیران امریکائی باشند. بلکه در هنگامی که چین کمونیستی در قاره اروپا بنا شود برای توسعه طلبان آمریکا جای آمده نیروهایشان در خواهد بود و ما ملاحظه میکنیم که چقدر قصبه‌های بر صفحه کمه از عنوان «بر گزیده‌گی روحانی اروپا» خود میباشد و ادعا می کند تنها کسانی هستند که حافظ روح اروپائی میباشند. با کمال میل و حق نا شناسی این روزها بعهده دارند. عده از آنها بعده و اسلحه خود عدم‌الاعلاقه و لاقیدیت ظاهر میکنند و غیره قابل طبعاً هم نیستند. آنها برای تبلیغات خود تعداد زیادی مجله و روزنامه‌های اروپائی باخریداری در دست دارند و یک قسم ادبیات موضعاتی بوجود آورده‌اند که حاوی عقاید و ارزشهای مرموز و مشترک اروپائی میباشد.

تمام نظریات بعضی از این سخنرانی چون انکار تاریخ و سنن چیز معروف را بخاطر میآورد که مناسب و مجله مشابه این نوع ادبیات بوده است.

در حقیقت این وظیفه «سنن بخش» اروپا بود است که از وحدت متجاوزی را بوجود آمده خود و از غایت و دوبین یکی که در گذر گاه مسئله قرار میگرفت مشاهده.

دیگر روزهای آن بود است که با مسئله اساسی زیر که و با یک مواد فرعی صنوع بعضی طبقات باشی آور خودرا دیدار بوده بود.

اروپا و تمدن چاری و سیله‌ای برای کسب طوری که در عمده مقصد آزادی عقیده ملت‌های دیگر هستند. برای خاموش کردن احساسات عالی ملی، برای تحقیر آنها، برای نشان دادن عدم توانائی و بیچارگی مبارزات آنها میباشد.

میشین اروپائی مجله‌ها و تلاوری کوشش خودرا برای پیدا کردن راحت ترین فکر و ماجراها در زیر روپوش استثماری حیات اروپا که زیر عنوان «وحدت اروپا» انجام میشود با مهارت انجام میدهند.

این خواه فریبان بعنوان اقتصادی و پیشرفت و دفاعگری در حالیکه ادعا میکنند هر گونه تبلیغات و سیاست را محکوم میسازند روزنامه‌ها و تلویزیونهای تجاری ایجاد میکنند که دارای مفهوم سیاسی آشکار میباشد.

بطلا انگلی دارد که یکی از این سیستم های مشهور و اسلوب محفوظ متحده اروپائی و در حالیکه ادعا میکنند هر گونه تبلیغات و سیاست را محکوم میسازند روزنامه‌ها و تلویزیونهای تجاری ایجاد میکنند که دارای مفهوم سیاسی آشکار میباشد.

بطلا انگلی دارد که یکی از این سیستم های مشهور و اسلوب محفوظ متحده اروپائی و در حالیکه ادعا میکنند هر گونه تبلیغات و سیاست را محکوم میسازند روزنامه‌ها و تلویزیونهای تجاری ایجاد میکنند که دارای مفهوم سیاسی آشکار میباشد.

در میان آنها بعضی کار میکنند که با گراهت مشابهی ... در مجله سیاست مجله عده خاص این جستجوها بود بدهند و نمایندگان بعنوان وظائم روحانی و ادبی احساس راه‌جاز آنچه که به فقط فرهنگ بلکه سرنوشت اروپا را هم بدهد میکند مشغول مطالعه هستند.

اگر شماره (کتبر ۱۹۶۷) مجله «ما را ملاحظه کنیم به مقاله در آن مشاهده باشد که جلوی این مسئله است.

اسلوب حکومت ملحده بمثل اساسی مناسبات اجتماعی و سیاسی اروپا و مانند یا به یک فلسفه و اخلاق بوجود میآید بر مبنی است که این مسئله صریحا با یک قوانین وضع انگیزی از آینده اروپا خبر میدهد. این نتیجه عملا یک وسیله مهمی در دست حاکمین سیاسی و مسئلات میباشد.

نویسنده آن رابرت آرون مایلا موقف بیانهای مبنی بر وفاداری نسبت به اینجا بوده است. بنا براین شگفت آور نیست که امروز این نتیجه سنوتهای خود را با کمال وفاداری برای موضعه های حیات آمیز مبدعی نسبت به منافع مبنی کشورش در عمدت امپریالیسم آمریکا میگذارد.

... شماره (کتبر) شامل مقاله موضوع بود که تحت عنوان‌های مختلف مسئله «اسلوب حکومت ملحده» را مطرح کرده بودند. در مقاله این مجله مجدد از همین مجله را که در (۱۹۶۶) منتشر شده و حاوی مباحثی تحت عنوان «روح اروپائی» با ملاقات بین‌المللی در ژنو بحاضر مانی آورده که این مباحثات برای یک بررسی مقدماتی بوده‌اند و امروز گزارشات کنگره اتحاد اروپا که در منبر تشکیل شده بود چاپ میشود. در نتیجه «به به گوئیهای» آن و مجمع ژنو شکل تشکلاتی بعود گرفته است «نجات دهنده گان اروپا» تصمیم گرفته اند که مطابق یک روش معین متحد شده و عمل نمایند.

بدین ترتیب آنها به فقط ادعای اتحاد یک «آئین تجری و استقرائی برای تنظیم روابط بین‌المللی» میکنند بلکه آنها از اتحاد یک تئوری نوین سیاسی - فلسفی لاف میزنند.

یک مطالعه سطحی این «آئین‌ها» با وجود نوشتهای مختلف و سلیقه‌های گوناگون مصنفین آنها برای کنفرانس و جهت مشترک آنها کافی است: این شناسائی در ارزش علمی و آشفتگی در روشهای آنها است این حالت روحی در صحبت ... و ... بیک از شرکت کننده گان در مجمع ژنو بعنوان آشکار میگردد.

«در یک تمام عوامل اروپا را بدار آنها ارزش نیست: این ترس بزرگ که فرود در گمانش تمام تاریکان، نشان می دهد. دوران جنگ تمام بچه‌هائی که به اروپا در آوردند فرق دارد روی آورده نظر شده است. دیگر، وقتی سنی داشته است با اعتبار اطمینان آن خانه دهد. تمام تاریخ مرسالها تغییر میدا آثار عام مجدد این ترس روی داده شده. و آیا مشاور تمام این ترس در خون مشاور این ترس در اروپا بلکه تمام دنیا دارد می‌شود. اگر صحیح باشد که ترس اساسی تمام بچه‌های ملاحظه ... تاریخ روح اروپائی را تنها بوسیله اقدامی اروپائی نجات میدهد.»

عبارت دیگر اگر در واقع فرق ترس و وحشت از انقلاب فرانسه مرتبط گرفته است نگذارد و زیبائی مرتبط‌ترین ترس علی را انقلاب سوسیالیستی بوده است. حتی مثل است آقای ... تعلق میکند که باین مرتبط ترین بایاری داده شود و باقدای اروپائی کمک نکند: جریان تاریخ که آقای ... اینجوار است بوسیله یک عمل جراحی مانند اقیانوس جلوی آنرا بگیرد، متوقف میشود.

یکی دیگر از شرکت کننده گان مجمع ژنو: «آقای ... ایتالیائی ابراز داشته است «روح اروپائی» و «روسیه و توده‌های سر کش» میباشند که «سرچشمه نیاشند» در تاریخ اگر «عقل اروپائی» هستند و باید کسی اظهار میدارد که «وحدت اروپا» و «توده‌ها» است.

در نتیجه مناسبین «امپریالیسم» از گفتن عضو در بالا رفتن شعور میتوانند اسلوب جدید جهان اساسیت است بخواند. این مثلوبها اساس این از جنگ دیده‌اند که راه های جدیدی برای آنها باز شده است یعنی راه‌های تجدید اصلاح اروپا.

جای شگفتیست که در دوران جنگ جهانی، توده‌های مردم در جنب مبارزات خود علیه دشمنان جنگی بصورت خود واحد شده‌اند و گذشته محکوم خودرا که دیگر عامر نمیرسد شد تلافی خواهد کرد.

و میدانند که جنگ ضد جنگی به تنها علیه اروپا نبوده است، بلکه در نتیجه اروپا را از بربریت فاشیسم نجات داده است. چنانکه استالین در این باره گفته است «چنانکه سلو از خود گذشتگی ملت شوروی تمدن اروپا را از زوال نجات فاشیستی نجات داده است.»

ژان سیلی مدیر روزنامه سوئیس مجیس ملاحظه می‌کند که تهدید به «روح اروپائی» و «روح اجتهاد آلیسم» از جانب جنبش‌های توده‌های مردم است. و امیدوار است که در آخر کار این توده‌ها دربازی خود مات خواهند شد و اظهار میدارد که اگر در عین قدومت آنها اروپا دیگر جنبش شده‌اند علاوه بفراموش شده و اوبگویند «چیزه بما می‌آموزد که در معنی از دوره‌های اغتشاشات عمیق و پای، اجتماع اروپا به اتحاد و اطاعت درمی‌آید.» ژان سیلی تعیین نمیکند چه قوائی هستند که باید اجتماع را بحالت مطلوب برقرار کند. اما درصحبت او ماجه جمله‌ای در عمومی این موضوع پیدا میکنیم.

«دنیای انگلوساکسن برای انتقال «روح اروپائی» به غربی به کلوی ما و در وهله‌اول به شمال امریکا بهترین کوشش خود را مبذول میدارد.» بدین ترتیب امریکا شامل «روح اروپائی» خیلی و خالص کشورهای مختلف غربی میشود.

این مطلب که به منطقی و به فاتح کننده است نمایندهای نوع طرز تفکر است.

در بحث راجع به شرایطی که به سالنامه اروپائی اجازه برقراری «استقرار و ترقی» میدهند آقای سلی ابراز میدارد که این موضوع در موقعیکه قدرت های ماورای اروپائیی که بوجه عبور از بحران های غیر قابل اجتناب خواهند گذشت خواهند آمد.

باجنر بگوئیم تاروزیکه یک جنبه بدی بین آمریکا و شوروی‌ها نشان پیدا نه واضحا بوضعیت ابتدائی.

بخوبه بروکیان، که در مقابل بعضی بعضی عقده‌ها و دیگرین های امریکائی نوشته در آینده است: عقله باز دقیق نویسنده که روزنامه‌نویس «امپریالیسم که اروپا (روح اروپائی) را نجات دهد میباشد.

امریکا برای ایجاد یک سیستم مالی بین‌المللی موازی پشتیبان مارشال را نموده است.

آنها میگویند. «اول اما متجنبه قوه باشد با هما خواهیم بود» این عبارت از یک فرهنگی برای اروپا است که برای تشخیص وظایف و منافع خود منتظر یک کلمه فرمان مساوا اعلی باشد.

اکنون بینیم طرفداران حکومت متحده اروپا مسئله فرهنگ اروپا را چگونه در نظر میگیرند.

این مسئله بزرگ که اعضو استادان فرهنگی اروپا مانند آناتول فرانس، ماکریم گورکی، رومن رولان و هاری باربوس واجود مشغول داده است این مسئله بزرگ فلسفی و ادبی چنان یک دلیل‌ها فرمانبرداری و انقیاد نسبت به اتحادی نمی‌شده است.

بطور بیرحمانه که برای نجات فرهنگ، «دیرها، روسوها، گوته‌ها و پاسکال‌ها باید مطلقا فرهنگ اروپا توقف هستند، پوشکین‌ها، تولستوئیها و گرکی ها را از اداره فرهنگ اروپائی «اخراج» کرد. امریکا پیشنهاد برای فرهنگی اروپا و اتحاد جامعه شوروی انجام سکوت کرده اند.

آنها با کمال راحتی پیشنهاد «اخراج» اجتماع جامعه شوروی را از اروپا کرده اند.

آنها نسبت به چه نقطه که تعدی نسبت به شوروی داشته اند ابراز مخالفت کرده و آنها را وادار نموده اند اقرار کنند که «ثروت معنوی روسیه از فرهنگ اروپا مدد گرفته است» و همیشه «از سرمایه اروپائی سر چشمه گرفته است.»

باوجود این اکثریت عظیم صحبت کننده گان در زنو و منبرو دارای تمایل آشکار ضدشوروی عین معضور تشکیل دهنده گان و شرکت کننده گان در کنفرانس ژنو تحت عنوان حیات «روح اروپائی» بوده است.

بدین ترتیب زیر پرچم اتحاد اروپا مانند اتحاد مقتدرترین و مرتجع ترین روح فکران اروپا که وقتی آزادی و ترقی و در نتیجه عضو اتحاد با جمهوری شوروی هستند میباشد.

برای غلبه بر امپریالیسم اروپا آنها بعود زحمت نبرده و پیشنهادهای اصلاح‌ای را از قبیل «سوئیسی کردن» اروپا در نظر میگیرند.

آیا قابل تصور است که مردمان اروپا با تاریخ هزار ساله خود، بنا فرهنگ می‌شود. با خاطرات تاریخی خود با سیستمی متحد شوند که سالانه آنها را بصورت بلوک و با حکومت‌های محروم از هرگونه استقلال و اختیارات ملی در آورد و بوسیله حکمرانان بیگانه اداره شود.

هم کس میداند که ایده بلوک اروپائی که عبارت از یک کشتی تحت نظر انحصار طلبان امریکائی خواهد شد توسط میلیون ها مردم که نه بوسیله کشورشان بلکه به سیاسی نظامی و اقتصادی جنگ جدید خود طرد خواهند شد.

این موضوع دارای معنی خاصی است که «اتحاد کننده گان» اروپای متحد میخواهند مرکز دول متحده را در یک آلمان تجزیه شده قرار دهند.

وظرفداران اتحاد» اروپا از تهیه مقدمات اتحاد جدید جهانی چیزی به خیال نیکنند.

اگر در مورد صحنه‌های اتحاد و غرب آورد ژنو و منبرو تامل بیشتری کردیم علت اینست که در میان هر کدام که گان چند در نویسنده فرانسوی هم دیده شده است.

بنظر می‌آید که اهل ادبیات در توسعه فرهنگ ملی، زبان و ادبیات مملکت خود از دیگران موقعیتی دارند اما در ژنو دیده شد که این نیست.

مطلب اینست که اندیشه آمریکائی طرفدار عدم انتشار علم و توده این بعد پیرا به راه داشت که یک کلی آن «بنا» اروپا تنها با موافقت میکند، زایکه چرا سی نگرده‌ها جای بنام «وجدان اروپائی» غیبه آن «وجدان امریکائی» را انتظام دهند.

ژولین بنده عقیده دارد که مصیبت های اروپا باین علت بوده است که در اروپا ملت‌های هستند که «مستقل از یکدیگر» میباشند.

علی‌رغم تاریخ او تکامل استقلال ملی را مانند ترقی عوامل دیگر نمیتواند یک آرایک واقعه غیر قابل محاسبه تلقی میکند.

در این بحث‌های فلسفی و تاریخی چند موضوع دیده میشود که مقصد آن اینست که نشان دهند تمام بحث‌های فرهنگ اروپائی از موضعی شروع شده است که نویسنده گان سعی کرده‌اند ملیت و زبان خود را حفظ کنند و آنرا توسعه بدهند.

«ژ. برناتوس در عقل خود در ژنو باید تحقیر اصطلاح‌ای از مردان آزاد» خواه باشد دست.

توهین و بدخواهی او نسبت بملت برای کسانیکه میتوانند حاکمیتی اظهارات اورا نسبت به «من سایم» و «قسب مشتمل» اروپا کشف کند خیلی وجاهه است.

این موضوع عبرت‌انگیز یکی از دلائل کاملا بسیار انحطاط فرهنگ بورژوازی است.

برناتوس «مردم مشکل خود بنا اظهار این جمله نهست میزند. «فرانسه زیر خدمت دستهایش خفه میشود» (یعنی دستهای توده مردم)

بقیه در صفحه ۶

از آثار ستالین

ترجمهٔ شریعتی

رهبری استراتژیکی

از نیروهای ذخیره اجتماع باید استفاده های شایانی بعمل آورد

نیروهای ذخیره انقلاب از این قرار است :

ذخیرهٔ مستقیم :

۱ - مدتها بطور کلی طبقات در حال تجزیه در تمام کشورها .

۲ - پرولتاریای کشورهای مجاور .

۳ - نهضت انقلابی در مستعمرات و به مستعمرات .

۱ - کمپانیهای بکانتوری پرولتاریا (از این کمپانیها پرولتاریا کاملاً صرف نظر میکند تا با خط پرتری قوا فرصتی برای تجدید قوا و تطبیع صرف بدوست بیاید کند) .

ذخیر مستقیم : ۱ - اختلاف و تضاد میان طبقات غیرپرولتری در هر کشوری که ممکن است بوسیله پرولتاریا برای تضعیف دشمن و تقویت ذخیره خود استفاده کرده .

۲ - تضاد و کشمکش و جنگ (مثلاً جنگ‌های امپریالیستی) میان دولت‌های سرمایه‌داری ، دشمن دولت پرولتری که میکن است بوسیله پرولتاریا در پیشروی پادوفش مانور هنگام عقب‌نشینی اجباری استفاده کرده .

اهمیت نیروهای ذخیره نوع اول برای همه کس مشهود و مسلم است و حاجت به توضیح ندارد .

درمورد نیروهای ذخیره نوع دوم که گاهی اهمیت آنها بحدی بزرگ میشود باید گفت که این نیروها در بسیاری از موارد اهمیت بسیاری برای جریان انقلاب پیدا میکنند .

مثلاً در انقلاب اول روسیه و پس از آن تضادهای دو گروه بزرگ هایی ضربه خوردند (تزها) با سرمایه‌داران لیبرال و سلطنت‌طلب (کادت‌ها) اهمیت بزرگی در جریان رهائی دهقانان از یوغ خود سرمایه‌داران داشت و این تضاد عقب موثری در این دوره ایفاء نمود .

جنگ میهنکش دسته‌های امپریالیست با یکدیگر در دوره انقلاب اکتبر و عدم امکان شرکت قوا بر ضد حکومت جوان شوروی به پرولتاریا فرصت داد دست بکار متشکل ساختن قوای خود و تحکیم حکومت و سرکوبی کلچاکیها و دیگین شود .

از این پس نیز تضاد روز افزون میان دسته های گوناگون امپریالیست اهمیت بزرگی برای پرولتاریا خواهد داشت .

وظیفه رهبری استراتژیک استفاده صحیح از تضادها و نیروهای ذخیره در راه هدف اصلی انقلاب در مرحله معینی از تکامل آنست .

استفاده درست از قوای ذخیره مشروط چند امر اساسی زیر است :

اولا - شرکت قوای اصلی در موقع قطعی و در ضعیف‌ترین نقطه جبهه دشمن هنگامیکه شرایط انقلاب از هر جهت آماده است و پیشروی با کلیه قوا دنبال میشود ، زمانی که قیام مسلحانه به دستور قرار گرفته و رساندن قوای احتیاط به واحدهای پیشرو ضامن اصلی کامیابی است .

ثانیاً بدون استفاده از نیروهای ذخیره استراتژی حزب در دوره از آوردن تا اکتبر ۱۹۱۷ است . نقطه ضعف دشمن در این دوره جنگ بود .

براساس این مسئله اصلی حزب توده های وسیع مردم را گرد آورد گروه پیشرو پرولتر جمع نمود . استراتژی حزب در این دوره عبارت از آن بود که ضمن تعلیم عملیات وسیع خارجی از طریق فعالیت‌های سیاسی ، بوسیله شورها در عقب جبهه و کمیته‌های سربازان در جبهه ، قوای ذخیره را به نیروهای پیشرو رساند . نتیجه انقلاب نشان داد که استفاده از قوای ذخیره بدرستی عملی شد .

لنین در باره این فن استفاده استراتژیک از نیروهای انقلاب کنار صروف مارکس و انگلس را در دوره قیام بدین طرز بیان میکند :

۱ - باقیام هیچگاه نباید بازی نمود بلکه هنگام آغاز آن لازم است به یقین دانست که باید تا آخر رفت .

۲ - لازم است نیروهای برتری در موقع و در موقع قطعی جمع آوری نمود زیرا قوای این صورت دشمن که آمادگی و تشکیلات بهتری دارد قیام کننده‌گان را سرکوب خواهد ساخت .

۳ - اگر قیام آغاز گردد باید با عزم قوی تا ادامه‌ای حل نموده و حتا و چون توده به تعرض پرداخت ، دفاع در حکم مرگ قیام مسلحانه است .

۴ - باید کوشید که دشمن غافلگیر شود و نائوای او را کشانده است از موقعیت استفاده نمود .

۵ - باید هر روز به موفقیتی نو و کوچک نائل شد تا آنچه (اگر انجام در مورد شهری انجام می‌یابد باید گفت که ساعت ساعت باید چنین موفقیتی تحصیل شود) باید بهر قیمتی که شده و قوق روحی را تقویت نمود .

ثانیاً - انتخاب موقع ضربه قطعی موقع آغاز قیام طبقی که جریان به منهای تضعیف دشمن و زمانی که آمادگی عناصر پیشرو برای پیکار قطعی و آمادگی نیروی ذخیره برای پشتیبانی از عناصر پیشرو و بالاخره زمانی که حداکثر در کشمکش و برخاش در صفوف دشمن موجود باشد .

لنین میگوید : «در قطعی زمانی میتوان کاملاً مسلم دانست که اولاً همه نیروهای طبقاتی مخالف ما بدرجه کافی دچار افکار و تشاش شده ، با اندازه کافی با یکدیگر جنگیده و با اندازه کافی خود را باختیار زای که پیش از توانائی آنها است تضعیف نموده ، که دیگر تمام عناصر ارتجاعی لرزان و ناپایدار و وسط بین بورژوازی کوچک ، دمکراسی خرده بورژوائی که بر خلاف بورژوازی با اندازه کافی ماهیت خود را برای مردم آشکار ساخته و با اندازه کافی باور شکستگی عمل خود موجود مجتمع گردیده اند ، که تا اندازه‌ای پرولتاریا و توده‌ها بسوی جبهه انقلاب بر ضد بدترین و انقلابی‌ترین دشمنان برخاسته و بورژوازی آماده بود و با پیروزی فتح‌گری در حال تزلزل است .»

فقط در چنین موقعی است که شرایط انقلاب آماده میباشد فقط در چنین موقعی است که ما گرایش شرایط ضربه قطعی در بالا برمبنی منظور خود موضوع انقلاب گردیده پیروزی مسلم است .»

اجرای قیام : کلیه امتیازات نیروهای دشمن را بدست آورد .

عدم رعایت این شرط منجر به شکست خواهد شد . زیرا می‌شود که دارد دست دادن موقعیت را دارد ، و آن زمانی است که حزب از جریان نهضت عقب بماند یا بسیار جلو برود و عجله نماید موقعیت را بوجود می‌آورد ، موقعیت که چنین وارد دست دادن موقعیت ، نبود انتخاب نادرست موقع قیام را میتوان کوشش عمدی از بها دانست که در عمد بود با توقیف مجلس مشاورین در مینامبر ۱۹۱۷ قیام را آغاز نماید آن زمانی که در خود اعتماد ترازی محسوس بود . چنین امر نبود عناصر پیشرو دچار عجله گردند .

عدم رعایت این شرط منجر باشتباه بزرگی میشود که در نود و یا نود و دو بار در سه دادن راه» معروف است . نبود یک چنین و ازدست دادن راه» را میتوان روش اشتباه‌آمیز حزب بلافاصله پس از گشایش مجلس مشاورین دانست که تصمیم به شرکت در مجلس مقدماتی گرفت . مانند آن بود که حزب در اینموقع فراموش کرد که مجلس مقدماتی کوشش جدوزاری بود ، که شرکت حزب در چنین موسسه‌ای ممکن بود تمام نقشه‌ها را برهم زده و کارگران و دهقانان را که زیر شعار «تمام حکومت از آن شوراها» دست بسیار فعالیتی زده بودند گمراه و منحرف سازد . این اشتباه با خارج شدن بلشویک‌ها از مجلس مقدماتی اصلاح گردید .

رابعاً - مانور نیروهای ذخیره بطوریکه عقب‌نشینی دوست مهیا گردد .

هنگامیکه دشمن نیرومند است و عقب‌نشینی اجتناب‌ناپذیر میباشد . زمانیکه درگیری تعیین دشمن صلاح نیست موقعی که از مناسبات موجود قوا عقب‌نشینی بگاه‌داره خارج ساختن عناصر پیشرو از زیر ضربه و نگاهداری نیروهای ذخیره است .

لنین میگوید : «اصرار انقلابی باید آموزش خود را تکمیل نماید . آنها این پیشروی را می‌آموختند . اکنون باید دانست که این دانش باید با دانش دیگری که طریق عقب‌نشینی درست را می‌آموزد تکمیل گردد .

باید دانست وظیفه انقلابی با تجربه نتیجه و گرایش خود رفته رفته درک می‌کند که که چون آموختن فن پیشروی درست و عقب‌نشینی بسا نیروان پیروز شد .»

هدف این استراتژی بدست آوردن فرصت ، تضعیف دشمن و جمع آوری نیرو برای پرداختن به ضربه است .

اتفاق پیمان صلح برست را میتوان نمونه یک چنین استراتژی دانست که به حزب فرصت داد با استفاده از برخورد ائتلافی در اروپای امپریالیسم نیرو های دشمن را تضعیف ، پشتیبانی دهقانان را از حزب تامین و جمع آوری قوای کافی برای ترتیب پیشروی بسرعت کلچاک و دنیکین را سرکوب سازد .

لنین در آنزمان میگفت : «با امضاء پیمان صلح جداگانه ما بعد اقتری که مشکل‌ترین دوره انقلاب بود ، دوره بسیار دشوار و پرخطر بود ، دوره‌ای که

مسائل حزبی

بقیه از صفحه ۱

در چنین جامعه ای چه کسی باور میکند که ما سادت خود را در سادت مردم ستمبر کشیم و جای اینکه دوری جلب منافع عمومی باشد مصالح خود را بجای مصالح عمومی نشانیم ، چه کسی باور میکند که شما جای اینکه در دنبال پول جویه پول خود را در راه مبارزه با قدرت اهریمنی پول بدانید چه کسی باور میکند که شما جای اینکه جان شانی که جان هزاران در راه خط همنوعان بگذارید .

در چنین محیطی حزب توده ایران اصول نوین خود را اعلام کرده است . حزب توده ایران خود را در میان جامعه و جامعه را در سلسله تکامل بشری میگذارد همیشه آینده را مبنای فعالیت و عمل قرار میدهد .

در محیطی که مردم عادیش فقط از ناگواری در راه آرمانهای عالی پذیرفته بلکه تلاش برای سعادت که دورا هم دوست ندارند و پیوسته جویای سعادت آنهاستند ، چه بهتر است که این دوره ای حزب توده ایران گسترش بتواند برای افراد عادی قابل فهم باشد . از اینجهت اگر گوته نظرانی باشد که همیشه محصل زحمت و حقیری برای افزوده گذشتگی ها و فداکاریهای حزب ما بوده است جای تعجب نیست . قسمتی از اتهاماتی که بحزب ما نسبت داده میشود ناشی از همین گونه نظری و عقول درک نشدن طرز تفکر ماست . اما این علت تنها نیست و عوامل دیگری آن را تایید میکند .

۱ - یکی اینکه ، حزب ما نیز توانسته است از اقتضای سادت که مصالح اجتماعی را در راه ارضاء خود خواهی ، مقام طلبی ، هوی و هوس سعادت فرومایه خویش پایمال مینماید مبارزه ای باشد و اگر با چنانی از این گونه اشخاص در صفوف ما ظهور میکنند آنهائی که از حزب ما دور از ماهیت درستکار و فداکار آن دلخوش اند بجای بحث میآورند و آن یک یا چند مورد را تعمیم داده تمام حزب را آلوده نشان میدهند و گاهی بعضی افراد بی غیر را نیز بساختن میاندازند .

۲ - دیگر آنکه حزب ما تا امروز آن اندازه فرصت رسیدگی نداشته است که اتهامات را بعضی ظهور آنها مورد تحلیل قرار دهد و نتیجه را بصورت اطلاع اعضای حزب برساند . از اینجهت گاهی اتفاق میافتد که بعضی از اتهامات که در اول مانند جویبار کوچک و بی ریاست چون جریان می یابد و هر کس رفته تازه ای در آن میریزد میگذارد پس از چندی بصورت سیل عظیم در میآید که دیگر ایستادگی در مقابل آن ، جرات و قدرت فوق العاده لازم دارد . از طرف دیگر چون اتفاق افتاده که حزب ما بعضی اقدامات و یا خرابکاری ها را در همان موقع خود بیجا از لابلای نرمایه سوء ظن غیر لازم و بیش از اندازه ای در بعضی از ناظرین نسبت بهر عمل مهمی پیدا شده است .

۳ - یکی دیگر از عوامل را باید فوق بعضی از افراد بدگمانی و غیبت دانست که متاسفانه در کشور ما رواج زیاد دارد .

این جامعه فقط بیاد میدهد که پیشرفت خود را در تخریب دیگران جستجو نمائیم و هرگاه فرصت یافتیم شخصیت دیگران را بشکنیم تا نقایه شخصیتی برای خود درست کنیم .

بعضی اینگه دوست ما سرخورده شده گرداند عاجز زبان خود را بر میگردانیم و آنچه نباید گفت می گوئیم . این عادت ناشایسته در حزب ما نیز وجود دارد و هستند رفقائی که مرتب دقیق را چنانکه باید و شاید نگاه نمیدارند و یا در مقابل عده سرمستی ساکت می نشینند .

بعضی رفقا باین نکته توجه ندارند که یک شهادت آنها گرچه مبهم و غیر صریح باشد میگذاشت بثبت حیثیت رفیق دیگر تمام شود و گاهی در مصائبی که ملاحیت نشین ندارند و دهان باز میکنند و ملا میگویند ، وشنیده ام که فلانی هم در این کار دست داشته است . البته مطمئن نیستم ولی ... » و نمی دهد نمیگویند که این شهادت دهان بدهان باز گردد خواهد شد و هر کس چیزی بر آن خواهد افزود و بالاخره یکروز بصورت چنین مقتل در خواهد آمد .

خودتان را یک لحظه بجای وفلانی » بگذارید و ببینید آیا اراضی هستید چنین شهادتی بدون تحقیق درباره شما داده شود ؟ آیا راضی هستید که در یک مرجع غیر صلاحیت دار از موضوعی که بشخصیت شما لطمه وارد میکند سخن بمیان آورند ؟ نه ، نمایید آنچه را که نباید نمایید که باز عبارت معروف آنچه را در باره در دیگری بسته بدیگر بار در مرغان خود بسته بم والا هیچگاه جرات قبول مسئولیتی بعهده داشتن تشکیلات حاضر از فعالیت مطابق میل دشمنان ما آلوده خواهد گشت خواهد شد .

البته این موضوع مخالف اصل اختیاری و مراقبت نیست

ما در جامعه ای زندگی میکنیم که فساد در آن رواج یافته و از اینجهت باید اختیاری و مراقبت تام نسبت بکلیه افراد و سازمانها داشته باشیم . ما اعضاء مطلق و دوست و غیر از مشروط و هیچگاه نسبت بهیچ کس ابراز نمیکنیم ما احتمال اشتباه یا خرابکاری را در باره هیچکس بکلی نمی نمائیم .

ما باید چشم باز باشیم و همه کس را بیائیم . اساسی این اختیاری این نیست که چشم خود را اعضاء نکنیم ولی بخلاف این و آن اعضاء کنیم .

رفقای حزبی :

۱ - حزب خود را از اقتضای نادرست بشوئیم .

۲ - مراقبتها را در موقع رسیدگی کنیم و مجازات دهیم .

۳ - از غیبت و بدگوئی و افترا بپرهیزیم .

۴ - اختیاری و مراقبت را هرگز از دست ندهیم .

۵ - ولی همیشه و در همه جا چرای دلیل باشیم و تجارب خود را اعضاء کنیم و بخلاف این و آن .

احمد اسپهانی

زندگی موسیقیدانهای بزرگ

ژان باتیس لوللی

ایرانی فرانسه را در انحصار خود درآورده بود

لوللی سال ۱۶۳۲ در شهر «فلورانس» یکی از شهرهای معروف ایتالیا بدنیا آمد . در سال ۱۶۴۳ شوالیه «دوگر» اورا همراه خود به پاریس برد . لوللی در پاریس «دوشیزه» موپانسه سرگرم شد . دوشیزه موپانسه از لوللی حمایت کرده و دستور داد درس موسیقی فرا بگیرد . بدینصورت لوللی ویولون نواز شد و دسته ویولونهای کوچک را تشکیل داد .

سال ۱۶۵۰ و آلبرت پادشاه « را موقعیت باد ویولین » شرکت مناسبی می نمود در آثار موایر و آهای کمیکال عهده داری شد . در پیس روز از اپیوریل موسیقی را با مهارت اجرا کرد . بسیار خوب می رقصید بهترین رقبای دسته باله در باز بعهده او بود . لوللی چهارده سم او را دوست داشت و حتا از وی حمایت می کرد .

لوللی از مدرسه بردی و ژیگومر موسیقی را آموخت و تحت تاثیر میگه آنها قرار گرفت . لوللی هر سال یک اپرا میسوخت باشاهر معروف «کیوو» آشنا شد . اورا در مقابل مبلغی چهارصد لیره استخدام کرد . کار کیوو بدان آسان نبود . لازم بود پادشاه در آهای موسیقی و بالاخره آهنگسازی مشکلتر لوللی را راضی نماید .

از کمتر موسیقی در تحت رهبری لوللی تشکیل گردید . این از کمتر در آهای ملی یکی از بهترین کمتر های اروپا محسوب می شد .

لوللی در سال ۱۶۵۷ در پاریس نوین گسترد . لوللی صمت پادشاه سال سرپرست آکادمی موسیقی فرانسه بود . بلند کار عجیبی داشت همیشه در فکر هر موسیقی بود .

در بین آثار لوللی کمتر نمیتوان هر بیست توجه آهنگین ، ایرانی ، پیچیده باشد . بعضی هنگامی برسد . آهنگ پیچیدگی زبان از نغمه بیشتر می باشد .

لوللی ایرانی فرانسه را در تحت انحصار خود درآورده بود . میهنه در زمانی وجود موسیقیدانی باشد وجود داشت . آنهای فلورانسه - کاپیرا - گارانیو نسبت بدیگران برتری داشتند . پس از مرگ لوللی دو نتیجه بدین آثار عرب مردم فرانسه از اپرا دور گردان شد .

عیبها زبان فرانسوی را بسیاری لوللی ایرا مناسب می دانستند آهنگی موسیقی رو به انحطاط میرفت . کیوو

در اطراف مذاکرات پارلمان انگلستان

بقیه از صفحه ۱

کلیه سیاست های ساکه کشور های سرمایه داری و استعماری و از آنجمله انگلستان در دوره پس از جنگ دوم جهانی صرف ایجاد مشکلات در راه همکاری مسالمت آمیز و تشکیل دسته های بین المللی شده است .

اینکه این سیاست با تشکیل اتحادیه باختری وارد مرحله جدیدی گردیده و سیاستمداران «کارگر» انگلیس با استاور «دموکراسی» و «تمدن باختری» در برابر ملتی که « بنام همکاری با شوروی از طرف وی به پارلمان فرستاده » مدعی اند عدم امکان همکاری با زمامداران شوروی سخن میگویند .

این آقایان در جریان مذاکرات مجلس نه تنها چشم از تجاوزات علنی امریکا فروبسته ، بلکه از استقرار نفوذ نظامی امریکا در سراسر جهان و از آنجمله اروپای باختری بنام «خیر عمومی» اظهار امتنان و سپاسگذاری کرده و « قیمت » امریکا را برای حفظ موجودیت خود ضروری شمرده .

مذاکرات اخیر پارلمان انگلیس حاکی از آنست که دیپلماسی آن کشور ، علیرغم ادعاهای پرسر و صدای « اجتناب یک جنگ سوم در دنیا » کاملا در دنبال سیاست ماجراجویانه امریکا کشیده میشود و آن سرنوشت بگانه آخر و بدیگه کشه سطحی رهبران سیاست معاصر انگلستان میباشد .

...

با ایجاد اتحادیه باختری یکی از رویا های شیرین چرچیل جامه عمل بخود پوشیده است . بلافاصله پس از عقد معاهده اتحاد ، عده ای از نماینده گان مجلس عوام و از آنجمله ۷۰ عضو « نماینده موسیالیست » طرحی مبنی بر لزوم تشکیل فدراسیون ممالک اروپای تقدیم مجلس داشتند . منظور از این اقدام جامه عمل پوشانیدن یکی دیگر از رویاهای نخست وزیر سابق بود .

با براحساسی که در دست است کنگره ای از طرف نماینده گان عده ای از دولتها و گروههای سیاسی اروپای باختری و از آنجمله چرچیل و نماینده گان موسیالیست های دست راست اروپای باختری در این کنگره گرد آمده اند تا در باره امکان تشکیل چنین فدراسیونی به مذاکره بپردازند .

بطوریکه معلوم است ، فکر تشکیل یک فدراسیون اروپائی بهمان اندازه که مورد علاقه چرچیل است ، مورد توجه امپریالیسم آمریکا نیز میباشد . و اساسا چرچیل اکنون بصورت یک بلند گوی دیپلماسی آمریکا در انگلستان در آمده است . یکی از علل اساسی پشتیبانی چرچیل علاوه بر استقرار یک سیاست کامل ضد توده ای و ضد صلح در این قسمت از اروپا از بین بردن کلیه آثار دمکراتیک و مترقیانه ای است که پس از پایان جنگ دوم با فشار افکار عمومی و سازمانهای مترقی در موسسات اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی این کشورها نمودار گردیده است .

تمرکز اقتدار اقتصادی در دست دولتها تقلیل قدرت سرمایه ها و سرمایه داران بزرگ در دخالت این کشور و ملی کردن قسمتی از صنایع عظیم در آنجا ، بهیچوجه خوش آیند چرچیل و دوستان آمریکائی وی نیست .

بزرگترین منظور از اصرار در تشکیل فدراسیون مزبور ، مخصوصا تامین آن قسمت از تظریات اجتماعی است که اجرای طرح مارشال قادر به تامین آن نشده .

مثلا باتوجه به اینکه دیروز مستر ادنیکی از بزرگترین نکات مورد مطالعه در این کنگره « آزادی نقل و انتقال سرمایه ها در فدراسیون مزبور » می باشد . اگر در نظر گرفته شود که در شمار نماینده گان این کنگره عده ای از باصطلاح سوسیالیستها نظیر « راماده » نیز وجود دارد ، آن وقت میتوان فهمید که این آقایان خیانت به تاریخ و تحول اجتماع را تا چه حد رسانیده اند .

اخبار ورزشی

بکسورهای ترکیه برای انجام دو مسابقه بشهر ما آمدند

پارسال طبق دعوت باشگاه گالاتا سرای استانبول بکسور و باکسهای باشگاه نیرو وراسی به کشور ترکیه مسافرت نمود و دو مسابقه انجام دادند . در دو مسابقه یکی طرفین بایک موفقیت مساوی شدند .

اینک بکسورهای باشگاه گالاتاسرای برای انجام دو مسابقه وارد تهران می شوند .

بطوریکه مجله ورزشی گالاتاسرای چاپ استانبول مینویسد ترکها برای این مسابقه ها بهترین دسته باشگاهها را فرستاده اند .

اسامی بکسورهای ترک بدین قرار است :

۵۱ کیلو جلال - ۵۴ کیلو حسن ، ولاد میر - ۵۸ کیلو رزال - ۶۲ کیلو آیدین و اروز - ۶۶ کیلو کاریس - ۷۲ کیلو طیارونیا - ۷۹ کیلو مسر

در میان این بکسورها آقای رزال در مسابقه های بین الدول «ورلین» نظر دفرا جلب کرد با وجود آنکه ایشان در مسابقه ها شکست خورده بود مبهذا از لحاظ تکنیک اورا برای دسته کلی اروپا دعوت نمودند .

حسن چه هفته پیش ، رزال شکست داد .

شعبه بکس باشگاه گالاتاسرای بیست و پنج سال سابقه دارد . در ترکیه بهترین بکسورها در این باشگاه جمع میشوند . بدون تردید میتوان گفت بکسورهای نیرو وراسی با دسته ملی ترکیه روبرو خواهند شد .

بکسورهای نیرو وراسی دسته ایست مشغول ترین بودند . بطور میدهد طرفین از لحاظ قوا مساوی هستند . بر دو باخت دسته ها بطور قاطع خواهد بود موفقیت بکسورهای ایران را در مقابل مهمانان خواهانیم .

ا. اسپهانی

در آگهی حصر وراثت

تاریخ ۲۲/۱۲/۱۳۲۶ با نو طوبی (عنایت نوری) بشناسنامه شماره ۲۲۷۸۸ باستناد یکبرگ گواهینامه و رونوشت شناسنامه داد خواست بشماره ۲۶/۱/۱۳۲۶ دایر باینکه مرحوم استوار ۲ علیل (عنایت نوری) دارنده شناسنامه شماره ۷۸۷ ۲۲ در تاریخ ۲۹/۷/۱۳۲۶ در تهران جانبگاه هیشگی خودوفات یافته و منقاضیه مادر و با نو ملوک (صدرزاده) بشناسنامه شماره ۵۷۲ زوجه داعی و آقای ابراهیم (عنایت نوری) بشناسنامه شماره ۵۴ پسر متوفی وورثان منحصر میباشند پس از فحص گواهان مراتب سه نوبت متوالی نامی بیکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه مردم آگهی می شود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترضی بحساب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز کند والا هر وصیتنامه غیرازرسمی و سری ابراز شود در چه اعتبار ساقط خواهد بود .

آ - ۸ ۳۰۲

رئیس کل دادگاههای بخش تهران - ابوالحسن رازیان

صلح زنده باد!

شهرزاد

غریبه ، از برق مهتابی شد آشکار
لرزه از آن عروس تن و جان زندگی
دیو مهیب جنگ ز زندان تنگ و تار
بیرون نهاد پای بمیدان زندگی

ناگه ، کلبه سرد که « و - فرمانروا منم
پیچیده در سراسر عالم صدای من
من ، مرگ ، من صدای جهان ، من هرچیز
تاریکی و سکوت بود جای پای من »

از چشمهای او شرر مرگ می جهید
در چهره ای دو کاسه خون بود جای چشم
از آن کرانه خلق و چهره پایه
چیزی عیان نبود جز شعله های خشم

غیظ آنگرز فاه ارجست زد که : « - من
به جنگیم » یکی دگر از جانب دگر :
« - این بنده نیز نظر ز اولاد آدمیم
بلاد خلق و خوی نگوه دهنی بشر »

آهسته بیان زشت سراسر کشیده صف
سرها بزیر ، گوش بزنگ ایستاده اند
یکسوی کین ، همه طرفی مرگ آنطرف
حرمت جنگ را همه گردن نهاده اند

یکدم سکوت بسته چه ؟ فرمان دهد جنگ ،
« - ناموس بشر جنب اقتصار ساخت
مرباز های کوچک من ! پیش بی درنگ !
پیروزی نهائی در انتظار ساخت »

غیبو ، بوق ، طبل ، صداهای هولناک
سراسر جهان همه پر شد زهای و هوی
دیوانه گشت خلق و فروریخت در سماک
افتاد گشتن بشریت زرنگ و بدوی

خورشید مهر یکسره پوشید روی خویش
آوخ که روی ساه پر شبهای تیره شد
شاهید که از شرم بهرام موی خویش
پنهان او ... قطعه مجنون خیره شد

اهل کرانه های اهل قطعه ای نقیه
پیداست ، دختری که بفکر گذشته بود
با لوله مرور ، خلق ، سعادت خوشی نابید
اشوی ، لکه چه طریقه گشته بود

...

قتل سال بعد لعنا اهریمنی سیاه
فریاد بیزده ، « وآمد »
افتاد وداد جان
ناگه فرشته ای و بدنبال او سیاه
در دست نیرد برآب او خنده قد عیان

میخواست دیو ناگه از دست او فرار
« - ناگه ، نمیر ، پست نیکار بدنهاد »
طریقه مرده بود ، از آن فتح و افتخار
پیچید مرده هاجهان :

« صلح زنده باد ! »

آقایان لنکرانیها مصاحبه میکنند

ماه گذشته پس از آزادی آقایان لنکرانیها ما اطلاع دادیم که مصاحبه ای با نمایندگان مطبوعات جرائد درباره علل توقیف خود بعمل خواهند آورد ولی این مصاحبه بعلت ادامه توقیف غیر قانونی و سرخانه آقای سام لنکرانی بتعویق افتاد . اکنون بعد از آزادی آقای سام لنکرانی اطلاع میدهد که آقایان لنکرانیها در صدد بعمل این مصاحبه را عمل آورند و علل و موجبات این توقیف غیرقانونی را که در مورد یکی از آنها مدت زیادی ادامه یافت برای آگاهی بیشتر مردم نقل کند .

این مسئله را حل کنید

اعداد از یک تا ۲۵ را در یک مربع ۵ در ۵ بنحوی بنگارید که از هر طرف عمودی و افقی مجموعا باهم جمع کنند مجموع ۶۵ شود و هم چنین مجموع اعداد روی دو قطر ۶۵ باشد .

ضمنا برای ما بنویسید که برای حل نظایر این مسئله چه قاعده کلی میتوانید نشان بدهید .

آگهی

در مصاحبه ۱۰ ... کلیه مبلغ ... ساختمان ... بکشور ... بکشور ... بکشور

بررسی جراید

«این ستون» انتظار دارد که نفس اعلام [illegible] مسوده معماری، مساوری مرکوره اتحاد مطبوعات، خاطر خطیر سنی «دین پرستان» را مستحضر دارد که بطور ناگهانی تصمیم گرفت به مدالهای اعلامی اخیره مسائل دیگری بخرابه و در یک صاعه بساشکوه و پر جسوت «بدروانی» ابتداء به پیشتم ترین جریده نگاران پدرو مدالهای اعطا کند.

«این ستون» پس از «بررسی» زیاد سابق نتیجه رسید که واهمه است درفتس شاهده (باشاهنده) چسم وتیلور باشد، لذا مدال پدروانی بنام «مدال شاهنده» مفتخر گردید که بر سنگ پائی قبایل شاهنده شاهنده با فایده مقطوع نیره زندان عقل بسته است.

«این ستون» عنقا درجات پائین تری بمنظور اعطاء به بیاری از پدروبسان معتبره در نظر گرفته است که علی آخرین اسلوب اعاده گیری عبارتند از «دیسی شاهنده» و «مبانی شاهنده» و «دیانی شاهنده»...

واینک بهر مناسبتی که تصور کنید توزیع مدال های عوض شروع میشود:

۱- برای مدال نرم شاهنده بحضور جناب مدیر کل شهرداری اعطاء می شود اینه بیان علت اعطاء این مدال بنگاری داده است.

۲- برای مدال «مبانی شاهنده» هم بسته مدیر نسیم تبان که در اختیار انواع واقسام صاحبقدمی سیاسی قرار گرفته است عیب میشود که در شماره دهم اختصاصی شاه را مخالف مبانی اتحاد مطبوعات شده دیگاتوری عنداد کرده و توشه است.

«وتها مقام سلطنت علاقه رهبری ملت ایران را دارد»

و باز در این جمله، عنقا علیه دارد که گویا دیگاتوری و مخالفی انتهای در فرقه نوع نمی باشد. و لنابنگه علیه وضع حال دیگاتوری صدمه، برای اینجا مراحل ترقی و وحشت و بازخوانی مسرور سخت در تلاش می باشد. اینها و اینها اینکه، مقدمات حکومت دیکتاتوری و مخالفی انتهای دو فرقه وضع می باشد. و اینها و اینها، عنقای ابتدای از تلاش و زیاد مستقیما در فراهم آوردن سنه (تنداد دست دارد. و اینها و اینها، می خواهند کشور را بازیچه سیاسی اداره کنند، زمینه و وسائل فراهم شده را بر می چینند.»

۳- «و وزیر» عنقای مردم در این که موضوع نمی کرد مربع عدد مدال مبانی اعطاء میشود و گویا ایشان در آینده نیز خود را صنوب تشویق چاکری دوره و «دست جامه» نشان دهند.

۴- «و اینی اداره کنزیدن یک مدال وسائی شاهنده» اعطاء میشود وظاهرا ایشان بالای سرعت که در جامه «مقاله» و «دراسکوتها» و «دین پرستی» میدهند، در آینه نزدیکی از زیادی مدال جای خالی در صینه مبارز نشان پیدا نخواهند.

اگر کسی «دو گرات ایرانی در حزب پرو گوار کشور شماره اخیر صبا بهمت خطی عنقه کار گر نشام داده و رادیو تهرانیوز نریون نیلدانی عنقه نوشته شده، چنین نوشته»

«واینه مدیر کل تبلیغات حکیمی که [مروز رادیو مدعی سر به آسمانه صاحبان صورت فرود آورد... دیروز افتخار بدگی جناب اشرف را داشت و مجلسا مملو دوازده مدح و منقبت آقای نواب السلطنه وفضل و تامرا به آقای دکتر مصدق و حسین حکیمی و کله معاندین انتخابات تهران.»

این روزنامه آنکه جهت صنعه از صبا را کلیه و جای کرده است که در آن پاینده نوشته است.

«آقای نواب السلطنه در این کنا کش حوادث سیاسی مانند ستون سنگی در میان امواج. محکم و عاقل تا بدر ما و افراد وطنی است که مصالح ایران را مساوی اغراض عمومی میشمارند موقعه باشم وعده ایشان پشتیبانی کنند. اینکه بیست کاما از دیر باز گرده ام و صبا پیوسته پشتیبان افکار و مقاصد دولت نواب السلطنه بوده است. در آخره انتخابات تهران برغم همه جریانهای که میزدند و همه نامه های سرگشاده ای که مینوشتند و پیانهای که احزاب احزابیکه کسی جراسم آنها را نشنیده بود - انتشار میدادند... مجلس اعلامه دارد و مردم براحتی پیروزی میدهند و در انتخابات نمایندگی که سرنوشت خود را برای مدت دوسال بدست ایشان میسپارند، شرکت میکنند. انتخابات شهرستانها نیز باهمین ترتیب، در سعی جامه آغاز شده است. عنا بهه کسانیکه بامه جاروجنجالها و اعلامیه ها در انتخابات موفق نمیشوند، صبر عنایت فرمایند. باسحراری جناب اشرف آقای نواب السلطنه نیز بکار دیگر. مشی نردهان پاوه گویان و پاوه سرایان مورد ... و آینه نیز مدعان تحت وزیر پیاده ایرانیرا دوان در خرامه ساخت ... در حقیقت انتخابات آزاد بود.»

«اکنون باینه دارند مدال «یک مبانی شاهنده» در شماره اهمیت دوزه برده که

«اگر فرزندی تجاریه و بازاریه ومخالفی مدل نباشد، اگرون تجاریه و بازاریه و دوستی نمیدارند. خلاصه اگر «آنه» میخواهند، از همین حالا با مریکاندارن بدهند، زیرا دوهمین چه مال آینه استان مصنوعی بازارهای دنیا خواهند آمد! ارزان و مناسب! و باغرقه و شکل و صنایع و ملائی که شما میخواهید!»

و سرنیم کاسه در کلیه بیان چه تصنیع وزیر و وزیر [illegible] و مناسب که آمریکا تجاریه و بازاریه و بدل بیشتر بگشایند و رفتار [illegible] دیگران خود از فرض [illegible] وارد کند و بازار ایران را از آن [illegible] پر کند.

. . . . . .

توزیع مدال امروز تمیس جامعه میباشد، و «این ستون» وارد اصل موضوع میشود.

ایرانیها از همین جمله بهیر ما چاپ نامه میبینند.

و در اوراق اخیر بین نمیتوانست مدال مبین خواهد باشد و بر کل [illegible] در برخیاتی خودشین حرکت کرده ولی چون اوضاع بین متنوع بودن هیئت در برابر باینکه کشور سوریه تمامی توقف نبوده، در آنوقع هوای زیاد مردود و هوا بنا [illegible] و از سرنیم [illegible] کرده بود.

این بود خلاصه دستور جامعه [illegible] که از اعضای هیئت کبری تصمیم گرفته، [illegible] ولی چون نگران هوا [illegible] کنند [illegible] اعضای هیئت نمایند گی [illegible] اعراب [illegible] ایران [illegible] سود [illegible] جامعه.

[illegible] ایران [illegible] حسین [illegible] نگران [illegible] باز [illegible] سوریه را [illegible] گرفته [illegible] ایران [illegible] حقیقت [illegible] سوریه را [illegible] گرفته [illegible]

[illegible] گویا موجب [illegible] که برای [illegible] خود [illegible] گذاشته [illegible] موجب [illegible] در [illegible] (اگر [illegible] کاری [illegible] کنایان [illegible] مردم [illegible] وانی) [illegible] در [illegible] پاشا پیش [illegible] لایحه [illegible] ایران [illegible] از [illegible] باری [illegible] و «کسری» در این [illegible] اعلام [illegible] میکنند و [illegible]

واکنون قابل تحمل نیست این از [illegible] تعرض [illegible] در [illegible] استفاده [illegible] از آزادی کامل [illegible] و [illegible] و سازمانهای بین المللی تشکیل میشود.

تازه ملت ایران زیر بار استبداد بانوان حرم نرود! مداخلات ارتش در کلیه شئون مملکت ملت را ناراضی کرده، تا امروزه یکی دو محل باقی مانده است که انتخابات نمایندگان مجلس آن باید شروع شود. کاندیداهائی که زمینه محلی ندارند متوسل به ارتش گردیده و می خواهند زور سرنیزه خود را بر مردم تحمیل و ارتش هم روی مساعد بان ها نشان میدهد.»

«آنش» نیز اضافه میکند.

«چندی قبل روزنامه آنش متوالی از آقای وزیر راه راجع باخراج کارمندان راه آهن کرده که مشاهده مسلوم نیست بجهت تاکنون بلاجواب مانده است. اینکه از خطر اصلیت موضوع متوالی دیگری از ایشان میکنیم و مرآنچه بلاجواب مانده ما... بوظیفه ملی خود عمل خواهیم کرد. ساعت ۶ بامداد پریروز مهندس صلوه هدایت با عاقل قربانی و عباس بوراهانی و تعارف عکاس بایک موزی حرف اهوار حرکت کرد. مدار آقای وزیر راه متوالی می کنیم **مگر بگاه راه آهن مملکت شخصی است که باید همینه در اختیار خسرو هدایت و همدستانش باشد؟»**

«و سرگشته» نیز ادامه میدهد.

«همین خسرو هدایت که سال ها عامل و کمانش بدون استحقاق و لیاقت بر افراد اینکشور آقای واقعاً عروضی کرده و وجوه اویش از اثاثی یک اداره لیاقت وارزش ندارد در ظرف دو سال اخیر چه مسعر گیها که بیرون نیاورده و چه بازیها که با قانون اجتماعی ما نکرده»

(و چنین ساست: برسم علی الحساب یک مدال سائی شاهنده در وجه آقای خسرو هدایت کارسازی میشود تا در زمان قانونی آن استفاده کند)

مجلس چه خبر بود

اسامی اعضای منتخب چهار کمیسیون قرائت گردید

۱۲ فقره مرخصی تصویب شد

در اطراف لایحه اختلاف مالیاتی بحث مفصلی بعمل آمد

دومرتبه پیشنهاد کفایت مذاکرات در این لایحه رد شد پیشنهاد سکوت هم تصویب نگردید

دیروز صبح مجلس ساعت ۹ و نیم تشکیل شد وصورت جلسه قبل قرائت گردید، چون شده برای رای کافی نبود اسامی اعضای کمیسیون های عرضحال، دارائی، وداد گستری که استخراج شده بود قرائت گردید (بیشتر اعضای کمیسیون دادگستری از فراکسیون دمکراتها ایران بودند). همچنین اسامی اعضای کمیسیون مخصوص بررسی برنامه هفت ساله که از هر شعبه ۳ نفر انتخاب شده بودند خوانده شد.

پس از تذکراتی که برای تسریع در استخراج اعضای کمیسیونها وشروع کار آنها داده شد بلاجواب شده برای رای کافی گردید وصورت جلسه پیش تصویب شد.

دستور

بار عضوی نمایندگی تعلق قبل از دستور نموده بودند وچون آقای حائری مخالف با تعلق قبل از دستور بود رای گرفته شد و ورود در دستور تصویب گردید.

تقدیم لایحه

آقای وزیر کشاورزی لایحه ای در تصویب شکایتی تقدیم نمود

گزارش کمیسیونها

«اجازه گزارش کمیسیون عرایض و مرخصی» میخواهد با مرخصی ۱۲ قرار نمایندگی قرائت و تصویب شد

لایحه اختلاف مالیاتی

آقای شکی که از جلسه پیش میخواست چنان مخالف لایحه اختلاف مالیاتی صحبت نماید و مجلس (از کثرت اعضاء و عدم قید پشت تریبون آمده و با اشاره نامبرده مجلس تشکیل شد) تصویب شده است. گمراهی این لایحه چه از ساست و صحیح نیست، رهمچنین جلوگیری وصول مالیات و فشار مأموران وصول مالیات ایراد گرفت و بالاخره کلیه دستگاه مالیاتی را مورد انتقاد قرار داد و برای اثبات سخنان خود از سایر امور نیز مثالهائی آورد و نتیجه گرفت که اگر این لایحه تصویب شود از اجرایش دوست همان افراد است.

وزیر گفت که اگر میزان مالیاتها را بخواهید زیاد بفرمائید برای اینستکه در زمانی و کمتر میخواهید دستور داده شد مبلغی که برای وصول مالیات تشخیص شده بود ۶ میلیون تومان مالیات کارخانجات اصفهان در نتیجه ۲۶ میلیون تومان تقلیل یافته است و آقای مکی این یادداشت را قرائت کرد.

پس آقای اردلان بعنوان موافق گفت در این لایحه مطلب تبدیل پرونده ها از یک جائی باید دوره رسیدگی نمود فرق گذارد.

آقای وزیر دارائی در این موقع توضیحاتی دادند و گفت که تقدیم این لایحه دلیل جلب اعضاء از دستگاهها و ادارات نمیکنیم و مرآنچه بلاجواب مانده ما... بوظیفه ملی خود عمل خواهیم کرد. ساعت ۶ بامداد پریروز مهندس صلوه هدایت با عاقل قربانی و عباس بوراهانی و تعارف عکاس با یک موزی حرف اهوار حرکت کرد. مدار آقای وزیر راه متوالی می کنیم **مگر بگاه راه آهن مملکت شخصی است که باید همینه در اختیار خسرو هدایت و همدستانش باشد؟»**

«و سرگشته» نیز ادامه میدهد.

«همین خسرو هدایت که سال ها عامل و کمانش بدون استحقاق و لیاقت بر افراد اینکشور آقای واقعاً عروضی کرده و وجوه اویش از اثاثی یک اداره لیاقت وارزش ندارد در ظرف دو سال اخیر چه مسعر گیها که بیرون نیاورده و چه بازیها که با قانون اجتماعی ما نکرده»

(و چنین ساست: برسم علی الحساب یک مدال سائی شاهنده در وجه آقای خسرو هدایت کارسازی میشود تا در زمان قانونی آن استفاده کند)

کمیسیونهای وصول مالیات نیست

آقای عباس اسکندری نیز با این لایحه مخالف بود و گفت تصویب این لایحه سبب میشود که چه اصل قانون زیر پا گذاشته شود و دیگر کسی با مصادره تعهدات دولت اعتماد نداشته باشد. باید بگویم که یک اعتمادی میکنیم چه هم قانونی میگذرانیم و میگوئیم آن اعتماد خود بیست اعتبار دولت وملت ایران از بین میرود.

آقای مادی که موافق لایحه بود، بیانات آقای اسکندر را مستدل و مفصله دانست.

در اینموقع آقای بهادری پیشنهاد کفایت مذاکرات کرد پس از مخالفت آقای باصاحب پیشنهادرای گرفته شد وتصویب نگردید.

بنابراین مذاکره ادامه یافت و آقای مشایخی شروع بایراد معارضه مورد با لایحه نمود، موانی وصول مالیات وقانون مالیاتی و گمرکیلیوز اشرح داد وگفت با گذراندن این لایحه جنبت و اعتبار و وحدت ملی ما از بین میرود، بطرز وصول مالیات و نحوه تشخیص میزان آن ایراد گرفت و بالاخره گفت قانون که عطف بماسبق نمیشود وعلاوه مجلس نباید در زمانیکه از طرف یک کمیسیون با دادگاهی صادر شده مداخله کند [illegible] آنرا لغو نماید، بموضوع امور حکمیت مربوط بوده شیخ خزعل رای داده ولی چرا در نوه قضایه مداخله کردید؟ این سابقه بدی میگذارد.

پس از ختم بیانات طولانی آقای مشایخی آقای آزاد پیشنهاد کرد که این موضوع همچنان مسکوت گذارده شود.

در اینموقع آقای وزیر دارائی توضیحاتی داد و ضمن آن گفت موضوع را پیروی نکنید این لایحه بهیچوجه مربوط به ۱۰ میلیون ملت ایران نیست که بای اوزاسیاسی میکنند این مربوط بده مسدودی است که باید مالیاتهای گراف وزیاد بصندوق کشاورز و کارگر بیفتد و این مسئله که در آینده چاره ما بالیاتهای سنگین پیدا دارد.

بعد آقای مهندس رضوی با پیشنهاد آقای آزاد مخالفت کرد و گفت حال که این موضوع مطرح شده است مسکوت گذاشتن آن برای جلسه مجلس فوق العاده خوب نیست بلاجواب مجلس باز رای مداخله یابد.

ولی چون این لایحه هم نامعلوم بایدباشد و اگر آقای وزیر تعدادی برای آن تعیین کند و بگویند چه مقدار بودجه باید بعدها رسیدگی شود عیان میکنیم همه با آن موافق باشند (صحیح است)

آقای وزیر دارائی هم اظهار داشت که این لایحه را نسبت به ۲۰ پیشنهاد اداره غیرمالیه تصویب شود.

بلاجواب پیشنهاد آقای آزادرای گرفته ولی تصویب نگردید.

آقای حائری پیشنهاد کفایت مذاکرات نمود که آقای مشایخی با آن مخالفت کرد وچون اعده رای بعمل آمد باز تصویب نگردید.

ختم جلسه

آقای کشاورز صدر بعنوان موافق لایحه پشت تریبون آمد ولی هنوز چند جمله ای نرزبان نیاورده بود که مجلس از کثرت اعداد وچون بلاجواب گذرید حاصل شد ۲۵ دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم و روز یکشنبه موکول گردید.

در میان کتابها

مصدر سرکار ستوان

پس از «کارخانه مطلق سازی» (اثر کارل چاپک) - بارجمه و «مصدر سرکار ستوان» از باروسلاو هاشک - آقای حسن قائمیان دومین نمونه ادبیات چک را به زبان فارسی ترجمه کرده اند.

کتاب اخیر که اسامی آن و «اعدات شوایک» میباشد - یکی از بهترین صورت های ادبیات سرباز خانه ها بشمار میرود.

نویسنده کتاب که از ۱۸۸۳ تا ۱۹۲۳ زندگی کرده تا سالهای چنگ اسلواکی از زیر یوغ امپراتوری اتریش هنگری در صف مدافعین ملت خود برای رهائی از اسارت چکاسلواکی جنگیده است.

و این خود یکی از علل زیبائی و شیوائی «مصدر سرکار ستوان» بشمار میرود.

زیرا قلم نیش دار نویسنده فقط به استهزای مقررات خشک و گاهی احمقانه نظام سرمایه داری اکتفا نکرده، بلکه مدافعین ملتهای کوچک و اسیر اروپای مرکزی و خاوری را در راه مطامع امپراطوری اتریش هنگری با لحن نیش دار مورد طعن و شماتت قرار داده است.

مثلا در قسمت اول کتاب نویسنده یک سرباز چک را (همان شوایک مصدر سرکار ستوان) با یک سرباز مجار در حال صحبت ترسیم میکند این هر دو موجود واسطه بدوملت اسیر سیاستی برای تامین مطامع امپراطور فرانسوا ژوزف به جبهه جنگ میروند.

هاشک مینویسد:

«و سرباز مجار دست چپش را در اثر تیغ دو ساعت بیشتر زمین لگد ساخته است و سه انگشت دست راست را بر نشان داد و بان ترتیب خواست بشوایک بفهماند که ۳ طفل خردسال دارد»

سرباز ادامه داد:

Nitch han nitchhan.

و با این کلمات میخواست به شوایک بفهماند که آیا در خانه چیزی برای خوردن ندارید.

سپس با گوشه آستین چشمهای خود را که از اشک مالامال شده بود پاک کرد.

در بالتوی پاره پاره اش جای گلوله که بسا پاره اعلیحضرت امپراطور تصیص شده بود بچشمی دیده میشد» (ص ۱۲)

در فصل این کتاب احساسات پاک که مدافع فرانت در جنگ کوچک ترین تباهی با منافع عیانی و مشروع او ندارد، وجوی میکند که جوانان و افراد عادی عادی هوسها و مقاصد شوم افراد چیره شده است، چوبی اسیان میشود حس عزت و ارتجار ملت بجوری تصیف های عامیانه و توده ای میگردد.

مقداری از این زهرخنده مادر کتک هاشک آورده شده و مترجم چوبی توانسته است آنرا با قالب شعر فارسی در بیاورد مانند قطعه زیر:

میبن ما شدست حای شیش
همه هستند مبلای شیش
هر که را اینکری در این کشور
زین مقبای جانگداست بکر
شیش کنده کیست بر سرما
آنت جان ما و کشور ما
گرچه دانند که نیست در ما خون
بش خودرا می کشد بیرون
(۹۵)

بخوبی معلوم است که کتاب این اثر مترجمه امپراطوری است.

و یا قطعه زیر که ارتش اتریش هنگری را بشدت مورد طعن و تسخر قرار میدهد:

کو، کو! زندانیان کجاست!
چی چی! در خواب خوش است!
هیچ میداند که او
پایه های ارتش است!!
روبه پیشش باشتاب
تا بیاید سوی ما مژده رجوی ما
کارش رجوی ما
با تمام دلت و دلت زمزد آمر وقت جنگ
کو چو بر گردد وزن
از فرات بی کیان
نیست کار دیگری
جز فروزیدن عزن
تا برای حفظ جان
سازی ایجاد سنگری
هان بهنگام خطر ایندو مرغ مرگ
کم بخوابانی ترمه ر ایندو مرغ مرگ
(۴۷)

علاوه بر اینه کلیه کتاب اخلاق و عادات نظامیان و مقررات سلسله پرستی را بشدت مورد هجو قرار داده است.

ترجمه کتاب بسیار روان وسلیس انجام گرفته و هیچگونه سکته و عدم تلاش در آن مشهود نیست، در پاکچا (ص ۱۵) مترجم اصطلاح «دوش زده شده» را که بمعنای «غرغمان شدن» است، چای و نوشوش زده» بکار برده است و در یک جای دیگر کلمه «اسواری» که بمعنای «گروهان سوار» است اشتباه بجای قطعسوار استعمال شده.

مطالعه «مصدر سرکار ستوان» هر نظر آشنائی با گوشه کوچکی از ادبیات یک ملت بارهنگ زنده و هم از نظر بی بردن بعاطفه اصول تربیت سربازی در کشورهای سرمایه داری بسیار مفید و جالب است.

جای تاسف است که مترجم - بکار عقیده دوزمینه شناختن نمونه های نوجا بجای ادبیات جهانی ادامه بدهد.

م. بابک

امروز
متن کامل دفاع آقای خسرو روزبه
منتشره از روزنامه فروغها
خریداری نمائید

قطره دیگر از سیلیکه پرخورجیه اول خود ساخته در آن هزاران تن کارگران وروشنفکران غرق شده اند